

نشست علمی روضه حائزگی هستند مقاومت فرهنگی

چهارمین
پیش نشست تخصصی
نهمین همایش علمی
هیأت و آئین های
مذهبی



مجلس شورای اسلامی ایران

حجت الاسلام
علیرضا پناهیان



حجت الاسلام
محسن قنبریان



حجت الاسلام
مهدي صرامی



حجت الاسلام
علی فرحانی



حجت الاسلام
امین اسدپور



حجت الاسلام
علی محمدی



حجت الاسلام
محمد جواد تاکی



حجت الاسلام
مهدي کشاورزبان



دکتر حاج عباس
حیدرزاده



دکتر مرتضی
جوانعلی آذر



دکتر سعید اشیری



حاج رحیم آبروش



حجت الاسلام
دکتر سید احسان
رفیعی علوی



حجت الاسلام
دکتر حمید پارسانیا



حجت الاسلام
دکتر محسن الویری



حجت الاسلام
دکتر حسین سوزنجی



حجت الاسلام
دکتر سید محمد حسین
هاشمیان



حجت الاسلام
دکتر محمد علی رنجبر



حجت الاسلام
دکتر علی اصغر
اسلامی تنها



حجت الاسلام
دکتر عباس ابراهیمی



حجت الاسلام
دکتر رضا ملایی



حجت الاسلام
دکتر مجید مبینی



حجت الاسلام
دکتر محمد هادی
شریعتی



بسم الله الرحمن الرحيم

همایش روضه خانگی، هسته مقاومت فرهنگی

دانشگاه باقر العلوم (علیه السلام)

۲۵ بهمن ماه ۱۴۰۴

فهرست مطالب

حجت الاسلام دکتر سید احسان رفیعی علوی؛ فقه شعائر، هیأت معاصر.....	۱
حجت الاسلام دکتر حسین سوزنچی؛ مودت اهل بیت، حفظ و تثبیت اهل و بیت در مسیر ظهور.....	۳
حجت الاسلام دکتر رضا ملایی؛ هیأت به مثابه نماد.....	۶
دکتر مرتضی جوانعلی آذر؛ هیأت، فناوری اجتماعی اقامه عبودیت.....	۹
حجت الاسلام دکتر حمید پارسانیا؛ روضه خانگی از مشروط تا انقلاب اسلامی.....	۱۲
حجت الاسلام علی فرحانی؛ دانش ضمنی روضه خانگی و نقش آن در احیای تمدن نوین اسلامی.....	۱۵
حجت الاسلام محسن قنبریان؛ سه موقعیت تاریخی روضه خانگی و موج سوم تولی.....	۱۸
حجت الاسلام پناهیان؛ روضه خانگی مظهر صداقت در تقوای قلوب.....	۲۱
حجت الاسلام مهدی کشاورزیان؛ روضه خانگی و انسان مدرن.....	۲۴
حجت الاسلام دکتر عباس ابراهیمی؛ تحلیل سبک و محتوای فناوری بومی در آیین های عزاداری امام حسین (علیه السلام) در استان بوشهر.....	۲۷
حجت الاسلام دکتر علی اصغر اسلامی تنها؛ بازاندیشی روضه خانگی در الهیات مقاومت، فراروی از مصابره تا رابطه.....	۲۹
حجت الاسلام دکتر مجید مبینی؛ ادبیات اقناعی در هیأت های خانگی.....	۳۱
حجت الاسلام دکتر محمدعلی رنجبر؛ از مجلس روضه تا میدان کنش: شاه آبادی و مهندسی مقاومت در مقیاس خرد.....	۳۵
حجت الاسلام مهدی صرامی؛ جایگاه جلسات خانگی در چرخه نصرت در نظام ولایت شیعه.....	۳۷
حجت الاسلام دکتر محسن الویری؛ تاریخ اجتماعی دین عامیانه؛ نگاهی به کارکردها و کژکارکردهای روضه خانگی در تاریخ معاصر ایران.....	۳۹
حجت الاسلام محمدجواد تاکی؛ نسبت تکاملی هیأت و روضه خانگی.....	۴۳
حجت الاسلام دکتر محمدهادی شریعتی؛ ضرورت بازخوانی و بازسازی فناوری های فرهنگی جهان اسلام.....	۴۵
برادر رحیم آفروش؛ صورت بندی تنوع گونه های روضه های خانگی.....	۴۸

حجت الاسلام دکتر سید احسان رفیعی علوی؛ فقه شاعر، هیأت معاصر

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين، بارئ الخلائق اجمعين. اللهم رب اشرح لي صدري و يسر لي امري و احلل عقدة من لساني يفقهوا قولي.

حضور بنده در این جایگاه، صرفاً برای عرض ادب و تشکر از عزیزانی است که زحمت برگزاری این نشست فاخر را به نام اباعبدالله الحسین (ع) در دانشگاه باقرالعلوم (ع) متقبل شده‌اند. در این مجال کوتاه، به مسئله «فقه شاعر» و رویکرد آن به «هیأت معاصر» خواهم پرداخت و در پایان نیز پیشنهادهایی برای تداوم این مسیر تقدیم خواهم کرد.

ادوار سه گانه فقه شاعر

نخستین بارقه‌های پرداختن به فقه شاعر در میان مفسران، ذیل آیه شریفه «تَعْظِيمُ شَعَائِرِ اللَّهِ» و با محوریت رعایت تقوای قلوب شکل گرفت. روایات این باب نیز به سه دسته تقسیم می‌شوند: روایاتی که شاعر را صرفاً مناسک حج می‌دانند، روایاتی که آن را به سایر مفاهیم دینی تعمیم می‌دهند و روایاتی که مصداق اتم شاعر را وجود مقدس اهل بیت (ع) معرفی می‌کنند. با نگاهی تاریخی، فقه شاعر سه دوره متمایز را پشت سر گذاشته است:

- **دوره اول (چیستی شاعر):** در این دوره، پرسش محوری فقها صرفاً پیرامون تعریف و ماهیت شاعر بود.
- **دوره دوم (مرز شاعر و بدعت):** این دوره که از حدود دویست سال پیش آغاز شد، به بررسی مصادیق شاعر، نحوه تعظیم آن‌ها و تعیین مرز میان نوآوری، بدعت و «وهن» مذهب (مانند مباحث مرتبط با قمه‌زنی) اختصاص داشت. در این عصر، شخصیت‌هایی چون ملاآقای دربندی ظهور کردند که رویکرد فقهی آنان عمیقاً تحت تأثیر مسئله تعظیم شاعر قرار داشت.
- **دوره سوم (عصر معاصر و مسئله روزآمدی):** این دوره، نقطه تلاقی فقه شاعر با مقتضیات زمان است. امروزه با تنوع رسانه‌ها، سبک‌ها و آثار مختلف در فضای هیئات مواجهیم که بحث‌های دامنه‌داری را درباره شرعی یا غیرشرعی بودن آن‌ها برانگیخته است.

چالش فقه معاصر در مواجهه با هیأت

امروزه فقه شاعر با یک مسئله اساسی روبه‌روست: اگر فقه نتواند خود را با اقتضائات زمان و مکان سازگار کند، با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. در وضعیت کنونی، سه رویکرد در قبال هیأت معاصر وجود دارد: ۱. **انزوای فقهی:** پذیرش انزوای فقه و سکوت در برابر مسیر فراققهی هیئات (همان‌طور که در سیره برخی بزرگان در گذشته دیده‌ایم که در قبال برخی امور سکوت می‌کردند). ۲. **انعطاف و تغییر رویکرد:** پذیرش تغییر در برخی خطوط قرمز و صدور جواز برای استفاده از رسانه‌های نوین یا برخی مضامین موسیقایی به دلیل کارکرد اجتماعی هیأت. ۳. **رویکرد کلاسیک:** پافشاری بر حفظ سنت‌ها و چارچوب‌های فقهی گذشته.

زمان خطی در برابر زمان قدسی

برای درک بهتر فقه شعائر، باید نگاه علامه طباطبایی را مدنظر قرار داد که شعائر را «هویت مجسم دین» می‌دانند. پذیرش این هویت مجسم، به معنای پذیرش مرز میان فقه فردی و فقه اجتماعی است. بر این اساس، ما با دو نوع مفهوم «زمان» مواجهیم:

- **زمان خطی:** زمان‌گذاری که برای استنباط احکام شرعی فردی یک مکلف در نظر گرفته می‌شود.
- **زمان قدسی (زمان اجتماعی):** مفهومی در برابر زمان خطی که به تنوع نیازها و کارکردهای اجتماعی توجه دارد. هیأت در بستر این زمان قدسی شکل می‌گیرد.

ضرورت تأسیس یک «عام فوقانی»

درک زمان قدسی و الهام‌گیری از معارف اهل‌بیت (ع) - مفهومی که صاحب جواهر نیز در استنباطات خود از آن بهره می‌برد - منجر به تأسیس یک «عام فوقانی» در فقه شعائر می‌شود. این عام فوقانی، هدفی غایی ایجاد می‌کند تا بتوانیم تمام احکام شرعی را در حوزه هیأت و شعائر بازخوانی و بازتولید کنیم. اگر فقه ما از این «روح شریعت» و الهام از معارف تهی شود، نتیجه‌اش استنباطاتی خشک و بی‌روح خواهد بود؛ شبیه به آنچه در گروه‌های تکفیری مانند داعش می‌بینیم که با وجود استفاده ظاهری از ابزارهای استنباط، به دلیل فقدان درک روح دین، به توحش و خشونت دست می‌زنند. به تعبیر حضرت آیت‌الله ناصری، نه تنها عالم شیعه، بلکه مؤمن شیعه نیز اگر رفتارش بوی معنویت ندهد، از دایره فرقه ناجیه خارج است. این معنویت، همان رمز پایداری فرهنگی در برابر تفکرات مادی معاصر است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

ما برای حل مسائل نوپدید فقه معاصر (مانند پاسخ به اینکه آیا فلان سبک عزاداری و هن دین است یا خیر)، پیش از ورود به ادله خاص، نیازمند تأسیس این «عام فوقانی» و درک پایداری فرهنگی ملهم از معارف شیعه هستیم. در پایان، ضمن سپاسگزاری مجدد از مسئولان دانشگاه باقرالعلوم (ع) برای میزبانی این نشست علمی، تأکید می‌کنم که پرداختن به مسئله هیأت نباید یک اقدام تشریفاتی یا فانتزی تلقی شود. بزرگ‌ترین درد ما، ایجاد فاصله میان «شور و شعور حسینی» و «مباحث آکادمیک» است. پیشنهاد و خواهش بنده این است که این حرکتی که امروز حدوث یافته، «بقای قویمی» داشته باشد. باید با استمرار این جلسات سیاست‌گذاری، زیرساخت‌های فکری لازم برای عملیات اجتماعی و رفع فقر معرفتی در این عرصه فراهم گردد. والسلام علیکم ورحمة الله.

حجت الاسلام دکتر حسین سوزنچی؛ مودت اهل بیت، حفظ و تثبیت اهل و بیت در مسیر

ظهور

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم. در ابتدای نشست، جناب آقای آفروش مسیر بحث را تا حدودی مشخص کردند. موضوعاتی از این دست را غالباً نمی‌توان در فرصت کوتاه پانزده تا بیست دقیقه‌ای جمع‌بندی کرد و عناوین جلسات نیز بسیار جزئی و دقیق انتخاب شده‌اند. با توجه به محدودیت زمان، تلاش می‌کنم رگه‌هایی از دغدغه‌های اصلی در این زمینه را مطرح کنم.

روضه خانگی؛ هسته مقاومت فرهنگی در مسیر ظهور

موضوع کلان این نشست، «روضه خانگی؛ هسته مقاومت فرهنگی» است؛ بدین معنا که به پدیده روضه خانگی به عنوان یک کلان‌مسئله اجتماعی در عرصه مقاومت فرهنگی توجه می‌شود. غالباً ما به مسئله هیأت و روضه صرفاً از زاویه فردی و مناسکی نگاه می‌کنیم، اما در این نشست قرار است کلیت هیأت و روضه از منظر مقاومت فرهنگی بررسی شده و سپس بر روضه خانگی تمرکز شود.

هنگامی که از «مقاومت فرهنگی» سخن می‌گوییم، ابتدا باید هدف آن را مشخص کنیم؛ زیرا بدون تعریف هدف، مقاومت فرهنگی بی‌معناست. در اینجا هدف اصلی «قرار گرفتن در مسیر ظهور» است. اساساً ادبیات مرتبط با امام حسین (ع) و تعظیم شعائر حسینی، پیوند عمیقی با مسئله مهدویت و ظهور امام زمان (عج) دارد. هدف از زنده نگه‌داشتن داستان عاشورا، آماده‌سازی افراد برای پدیده‌نهایی و جهانی، یعنی ظهور است.

در این مسیر، «مقاومت» به معنای واقعی کلمه «صبر» است. صبر در فضای فرهنگی ما دو معنا دارد: یکی دست‌نگه‌داشتن و انفعال، و دیگری استقامت، پایداری و ماندن برای رسیدن به هدف. بنابراین، مقاومت فرهنگی ما از جنس انفعال نیست، بلکه تلاشی فعالانه برای آماده‌سازی جامعه است.

نقد نگاه غربی به مسئله خانواده

ما امروزه تحت سیطره فضای فکری غرب قرار گرفته‌ایم و این مسئله، مدل‌های تحلیلی ما را به شدت تحت الشعاع قرار داده است. در ادبیات غربی، به جای سه‌گانه اصیل «فرد، خانواده و جامعه» که در حکمت عملی ما تحت عناوین «اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن» شناخته می‌شد، گرفتار دوگانه «فرد و اجتماع» شده‌ایم.

این نگاه در حوزه‌های دانشگاهی ما نیز رسوخ کرده است؛ به گونه‌ای که رشته‌های تحصیلی یا کاملاً فردی‌اند (مثل روان‌شناسی) یا کاملاً اجتماعی (مثل جامعه‌شناسی و اقتصاد). در این میان، سهم «خانواده» تنها شاخه‌هایی خرد است که یا با رویکرد فردی (مثل روان‌شناسی خانواده) و یا با رویکرد اجتماعی (مثل جامعه‌شناسی خانواده) به آن پرداخته می‌شود. این یک ضایعه بزرگ در مدل‌های تحلیلی ماست.

یکی از جملات بسیار نادرست و رایج این است که می‌گویند: «خانواده کوچک‌ترین واحد جامعه است». خانواده ماهیتاً یک پدیده متمایز است و از جنس سازمان‌ها یا واحدهای اجتماعی نیست. شهید مطهری در پیش‌گفتار کتاب «نظام حقوق

زن در اسلام» به روشنی بیان کرده‌اند که چرا در نگاه دینی نباید خانواده را یک سازمان اجتماعی صرف در نظر گرفت و چنین نگاهی چه پیامدهای مخربی دارد. همان‌طور که نمی‌گوییم «فرد کوچک‌ترین واحد جامعه است» (با وجود اینکه جامعه از افراد تشکیل می‌شود)، خانواده را نیز نباید صرفاً ذیل نهادهای اجتماعی تعریف کرد.

اولویت عبودیت بر عدالت و تقدم خانواده بر جامعه

در نگاه دینی، این پرسش مطرح است که اولویت با کدام حوزه است؟ استاد مطهری در کتاب «هدف زندگی» به این دوگانه پاسخ می‌دهند که آیا هدف اسلام تحقق عدالت است یا عبودیت؟ در برابر نگاه‌هایی که عدالت را هدف نهایی می‌پندارند، فرهنگ دینی به روشنی می‌گوید که **هدف اصلی عبودیت است و عدالت، مقدمه‌ای برای آن محسوب می‌شود.** در مقام عمل، اگر میان تحقق یک جامعه عادلانه و ارتکاب فعل حرام (دور شدن از عبودیت) تزامنی پیش بیاید، اولویت با حفظ عبودیت فردی است. چنانکه امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند من حاضر نیستم برای آبادانی دنیای شما، دین خود را تباه کنم و به جهنم بروم.

با همین منطق، در سه گانه «فرد، خانواده و جامعه»، خانواده بر جامعه تقدم دارد. قرآن کریم در آیه ۶ سوره تحریم صراحتاً می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ»

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها هستند، حفظ کنید.) این آیه نشان می‌دهد که در صورت تزامن، انسان باید ابتدا خانواده خود را حفظ کند؛ چرا که با حفظ و اصلاح خانواده، جامعه نیز خودبه‌خود اصلاح خواهد شد.

جایگاه «خانواده» در سیر تاریخی انبیا و اهل بیت (ع)

اگر روند تاریخی رسالت پیامبران را بررسی کنیم، سیر تکامل این نهاد را خواهیم دید:

- **حضرت نوح (ع):** نتوانست خانواده خود (همسر و فرزندش) را با خود همراه کند.
- **حضرت ابراهیم (ع):** نقطه عطفی در تاریخ است که اولین خانواده در مسیر حق شکل می‌گیرد و قرآن ایشان را یک «امت» می‌نامد (إِنِّ اِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً...).
- **حضرت موسی (ع):** برای نخستین بار یک قوم (بنی اسرائیل که خاندان و فرزندان یعقوب بودند) وارد عرصه اجتماعی می‌شوند، هرچند بعدها در مسیر خود با انحرافات مواجه شدند.
- **پیامبر اکرم (ص):** در دوره خاتمیت، کلیدواژه بسیار مهمی به نام «**اهل بیت**» مطرح می‌شود.

خداوند تحقق مهدویت و جانشینی پیامبر را به مفهومی به نام «اهل بیت» (ترکیبی از اهل و خانه) گره زده است. در قرآن مجید درباره جانشینی، عناوین مختلفی مطرح شده که مورد اختلاف است، اما وقتی به آیه تطهیر (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ...) می‌رسیم، دعوا بر سر جانشینی بسیار شفاف‌تر و متمرکز بر «خانواده پیامبر» می‌شود.

فرهنگ، ارتباطات و نقش روضه

مهم‌ترین وظیفه ما در بستر اجتماعی، تقویت «ایمان» است. ایمان، فراتر از شناخت عقلی، یک گرایش قلبی و مبتنی بر «محبت» است (هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبَغْضُ). فرهنگ اسلامی شامل آن دسته از معانی متعالی است که از سوی پیامبر (ص) آورده شده و در بستر ارتباطات اجتماعی جریان یافته است؛ به عبارتی، «فرهنگ، همان ارتباطات است».

اما این فرهنگ را باید از چه کسی دریافت کرد؟ بر اساس حدیث ثقلین (إِنِّي تَارِكُ فَيْكُمْ الثَّقَلَيْنِ...)، این فرهنگ باید از مسیر ولایت و اهل‌بیت دریافت شود. به همین دلیل است که عبادتی که بدون پذیرش ولایت انجام شود، مقبول درگاه حق نیست.

در اینجا «روضه» کارکرد اصلی خود را نشان می‌دهد. روضه محفلی است که محبت به اهل‌بیت (ع) را در جان انسان تثبیت می‌کند و باعث می‌شود انسان با معصومی که در سخت‌ترین شرایط اجتماعی مظلوم واقع شده، ارتباط عاطفی برقرار کند. از طریق این ارتباط قلبی و احساسی، فرهنگ اصیل اسلامی در وجود فرد تزریق می‌شود.

نتیجه‌گیری: اصلاح جامعه از مسیر خانواده

مدل اصلاح فرهنگی در غرب، از «جامعه» آغاز می‌شود و متأسفانه بسیاری از ما نیز درگیر این نگاه شده‌ایم و مدام در پی اصلاح نهادها، سازمان‌ها و حاکمیت هستیم. اما مدل اصلاح فرهنگی در ادبیات دینی، از «خانواده» آغاز می‌شود. واژگانی مانند «امام» (برگرفته از ریشه اُمت و اُم به معنای مادر) و کلام پیامبر (ص) که فرمودند: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» (من و علی پدران این امت هستیم)، نشان‌دهنده اهمیت این نهاد است. در جامعه‌ای که روابط بنیادین خانوادگی (پدر و فرزندی، خواهر و برادری و مادری) گسسته شده باشد، نمی‌توان مفاهیم اجتماعی مانند «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (مؤمنان برادر یکدیگرند) را پیاده کرد.

بنابراین، برای رسیدن به آن مودتِ اهل‌بیتی که لازمه دین‌داری و مقدمه‌ساز ظهور است، باید از درون خانه‌ها شروع کرد. به همین دلیل است که روضه‌های عاشورا نیز عمدتاً ناظر به روابط خانوادگی (مانند روضه حضرت علی‌اکبر، حضرت زینب و...) است. اگر هسته خانواده را دریابیم و روضه‌های خانگی را تقویت کنیم، این مودت مستقر شده و به افق کلان اجتماع و مقاومت فرهنگی نیز بسط خواهد یافت.

حجت الاسلام دکتر رضا ملایی؛ هیأت به مثابه نماد

هیأت؛ نهادی مدنی و پایگاهی برای تربیت سیاسی-اجتماعی

هیأت در فرهنگ دینی تحقق یافته ما، یک نهاد کاملاً مدنی است و از جهاتی مدنی‌ترین تشکل دینی محسوب می‌شود؛ به این معنا که کاملاً «مردم‌بنیان» و «مردم‌پایه» است. هیأت محلی است که مردم در قالب این تشکل در جامعه حضور می‌یابند و این یکی از ویژگی‌های مهم آن است. به‌ویژه مردمی که اهل مبارزه، به دنبال استقلال، نفی مداخله بیگانگان، رهایی از وابستگی و در جست‌وجوی یک «الهیات رهایی‌بخش» هستند. چنین مردمی در قالب این تشکل در جامعه ظهور می‌یابند، بر تغییرات اجتماعی تأثیر می‌گذارند و در آن‌ها مداخله می‌کنند.

به عنوان نمونه، در سطح کلان، هیأت‌ها با محوریت آیت‌الله کاشانی در جریان «ملی شدن صنعت نفت» نقش بسزایی برای استقلال ملی و اقتصادی کشور ایفا کردند که تحول بسیار بزرگی در آن زمان بود. البته من این سطح کلان را تا سطح خرد نیز امتداد می‌دهم.

هیأت‌ها در وقوع انقلاب اسلامی نیز نقش بزرگی ایفا کردند. علاوه بر تربیت دینی و معنوی، **تربیت سیاسی و اجتماعی** نیز توسط هیأت‌ها انجام می‌شد. به عبارت دیگر، خانواده‌ها فرزندان خود را برای تربیت سیاسی و اجتماعی به هیأت‌ها می‌بردند. این کارکردی است که هیأت‌ها همچنان به آن می‌پردازند؛ کاری که نظام تعلیم و تربیت ما در حال حاضر از انجام آن ناتوان است. نخبگانی که خروجی نظام آموزش رسمی هستند و در بهترین دانشگاه‌ها پذیرفته می‌شوند، سطح پایینی از تربیت سیاسی و اجتماعی را درک کرده‌اند. کنش‌های اخیر آن‌ها نشان می‌دهد که نظام آموزشی نتوانسته است بستر مناسبی برای این نوع تربیت فراهم کند؛ اما هیأت‌ها در این زمینه موفق بوده‌اند.

نقش مهم هیأت‌ها در دفاع از تمامیت ارضی کشور پس از انقلاب، در دوران دفاع مقدس و در مبارزه با «داعش»، نقشی غیرقابل انکار است. این موفقیت، محصول تربیت سیاسی و اجتماعی نسل‌های جوان‌تر در هیأت‌هاست و کارآمدی خود را اثبات کرده است. در واقع، دارایی اصلی ما همین است. اگر بخواهیم نسل‌ها را حفظ کنیم و ارزش‌های انقلاب را تداوم بخشیم، بیش از آنکه به نظام تعلیم و تربیت متکی باشیم، باید به هیأت‌ها تکیه کنیم.

حرکت معکوس هیأت؛ از «جنوب جهانی» به «شمال جهانی»

نکته دوم این است که هیأت‌ها حرکتی را آغاز کرده‌اند که با استعاره می‌توان آن را حرکت از ناحیه «جنوب جهانی» به سمت «شمال جهانی» تبیین کرد. هرچند نقطه تمرکز هیأت همچنان در جهان تشیع است، اما فرایندی از حاشیه به سمت مرکز شکل گرفته است که دقیقاً در نقطه مقابل حرکت فرهنگ جهانی قرار دارد.

فرهنگ مدرن جهانی، به دلیل برخورداری از «صنایع فرهنگی» قدرتمند، از سمت شمال جهانی منتشر شده و تمام جهان (از جمله جنوب جهانی) را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما جریان هیأت، بدون در اختیار داشتن این صنایع فرهنگی رایج توانسته است حرکتی معکوس ایجاد کند، به شمال جهانی نفوذ کرده و آن ناحیه را تحت تأثیر قرار دهد. (البته شاید

بتوان گفت هیأت صنعت فرهنگی خاص خود را داشته است که اندیشمندانی چون آقای آب‌فروش و دکتر قمامی باید ماهیت آن را تبیین کنند).

این موضوع توجه اندیشمندانی مانند آقای جورج ریتزر (*George Ritzer*) را نیز جلب کرده است. در کتاب ارزشمند سه جلدی «دانشنامه جهانی‌شدن» (*Encyclopedia of Globalization*) که ایشان سرویراستار آن هستند، به این موضوع پرداخته شده است. نقل به مضمون روایتی از این کتاب چنین است:

«در شهرهایی که مدرنیزاسیون با شدت بیشتری اعمال شده است، هیأت ظهور پیدا کرده و جالب آنکه با جلوه‌های سنتی‌تری نیز نمایان شده است.»

این بدان معناست که هر کجا فشار مدرنیزاسیون بیشتر بوده، ظهور هیأت‌ها سنتی‌تر بوده است. در شهرهای بزرگ جهانی، خانواده‌های متدینی که مهاجرت کرده‌اند، فرهنگ سنتی هیأت را با خود برده‌اند و اکنون به‌عنوان مبلغان غیررسمی دین عمل می‌کنند. این آیین‌ها چنان جلوه کرده‌اند که به موضوع مطالعات اجتماعی دانشمندان غربی تبدیل شده و آن‌ها این پدیده را نشانه «**افول موج سکولاریزاسیون**» تفسیر می‌کنند. این یک پیروزی بزرگ برای هیأت است که توانسته نظریه‌های اجتماعی را دچار چرخش کند.

همچنین، توجه جهانی به مقوله «**مناسک**» (مانند زیارت مسیحیان در کلیسای سانتیاگو یا سفرهای زیارتی به بیت‌المقدس) در کنار مناسک بزرگ جهان اسلام مانند حج و اربعین، توجه جدی محققان مدرن را جلب کرده است. حضور هیأت‌های سنتی در دل شهرهای به‌شدت مدرن (در اروپای غربی و قاره آمریکا) و تضادی که با فرهنگ مدرن ایجاد می‌کنند، ظرفیت عظیمی است که نه تنها متدینین را جذب می‌کند، بلکه دانشمندان را نیز به تردید وامی‌دارد. ما باید این «نقطه اتصال» را بین سطوح ملی و فراملی هیأت برقرار کنیم تا بتوانیم در ناحیه شمال جهانی نیز تغییرات اجتماعی رقم بزنیم.

گفت‌وگوی مجری؛ روضه خانگی و گسترش جهانی (مجری):

خیلی لطف کردید. من نیز در امتداد فرمایشات شما بشارتی عرض می‌کنم. دوستانی که پیگیر انتقال این فناوری فرهنگی به کشورهای مستعد بودند، در پروژه «هیأت در لبنان» (که نشستی مشابه نشست ما در دانشگاه معارف بیروت برای آن تدارک دیده شده است) متوجه شدند آنچه بیش از همه خریدار دارد و مورد اقبال عمومی است، اتفاقاً الگوی سنتی و مشخصاً «**روضه خانگی**» است. آنچه لبنانی‌ها پیش‌تر از قاب رسانه دیده بودند، هیأت‌های بزرگ ما بود؛ اما الگویی که در میدان عمل بُرش و نفوذ داشت، همان روضه خانگی بود.

نکته جالب دیگر نقل قولی از آقای دردشتیان است که به‌زودی عازم آمریکا هستند. ایشان می‌گفتند در کشورهای انگلیسی‌زبان، گروهی در پیام‌رسان واتس‌آپ متشکل از ۵۰-۶۰ نفر از افراد لاتین‌تبار وجود دارد که به‌صورت بومی (Native) به زبان انگلیسی روضه می‌خوانند. اشعار آن‌ها صرفاً برای تفنن نبود (که مثلاً دو بیت با مضمون "I love

Hussein" بخوانند)، بلکه کاملاً در فضای اصیل هیأت تعریف شده بود. این‌ها بشارت‌های مبارکی است و امیدواریم بتوانیم این بحث را به صورت تفصیلی در محضر جناب‌عالی پیگیری کنیم.

جمع‌بندی؛ ژئوپلیتیک تشیع و قدرت سنت (حجت‌الاسلام دکتر ملایی):

بسیار کوتاه عرض می‌کنم؛ بحث من در واقع دارای سه بخش بود که بُعد منطقه‌ای آن را به دلیل ضیق وقت حذف کردم. (مجری: بزرگواری می‌فرماید).

آقای فرانسوا توال (François Thual) در کتابی با عنوان «ژئوپلیتیک تشیع» (*Géopolitique du Chiisme*) به خوبی ترسیم کرده‌اند که تشیع چگونه از یک اقلیت، به یک جریان بسیار قدرتمند تبدیل شد که معادلات منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و هیأت‌ها در این سطح منطقه‌ای نقش بسزایی داشته‌اند.

اما از آنجا که وضعیت هیأت در منطقه تقریباً تثبیت شده است، مسئله مهم برای ما این است که در مواجهه با جهانی که ما را تحت تأثیر قرار داده، بتوانیم «صنایع فرهنگی» خود را منتقل کنیم؛ صنایعی که با شیوه‌های کاملاً سنتی قادر است چهره آن جهان را تغییر دهد. این ظرفیت عظیمی است که دانشمندان علوم اجتماعی به دقت در حال بررسی آن هستند تا دریابند چگونه چنین پدیده‌هایی در شهرهای کاملاً مدرن ظهور یافته و نظریه‌های اجتماعی را به سمت «بازگشت از موج سکولاریزاسیون» سوق می‌دهند.

نکته پایانی که نیازمند تبیین توسط شما دوستان است، این است: آن «صنایع فرهنگی» نهفته در هیأت که می‌تواند در جهان مدرن چنین اثرگذاری بزرگی داشته باشد، دقیقاً چیست؟ این ابعاد نیازمند بررسی بیشتری است. عذرخواهی می‌کنم؛ در محضر شما درس پس دادیم. سلامت باشید.

دکتر مرتضی جوانعلی آذر؛ هیأت، فناوری اجتماعی اقامه عبودیت

هیأت؛ فناوری اجتماعی اقامه عبودیت

مقدمه بسم الله الرحمن الرحيم. با سلام و احترام خدمت حضار گرامی. در ابتدا، به دلیل کسالتی که در روزهای اخیر به آن مبتلا بوده‌ام و ممکن است موجب ضعف در صدایم شود، و همچنین به خاطر الزامات پزشکی که ناگزیرم ایستاده سخن بگویم، از محضر شما پوزش می‌طلبم.

حدود هجده سال پیش، در جلسه‌ای در تهران، یکی از اساتید برجسته علوم اجتماعی که سوابق اجرایی و علمی درخشانی نیز داشتند، جمله‌ای کلیدی بیان کردند که تا به امروز در ذهن من نقش بسته است. ایشان فرمودند: «**عوامل موجدی انقلاب، عوامل مُبْقِیهی آن نیز هستند.**» به اعتقاد ایشان، انقلاب اسلامی از هیأت‌های مذهبی آغاز شد، اما بعدها تصور کردیم که می‌توانیم آن را صرفاً با تکیه بر سازمان‌ها و نهادهای رسمی حفظ کنیم؛ در حالی که برای بقای انقلاب، باید هیأت‌ها (در تمامی سطوح، از روضه‌های خانگی تا مجالس بزرگ) را جدی می‌گرفتیم. به همین دلیل، از برگزارکنندگان این سلسله جلسات صمیمانه سپاسگزارم، چرا که پرداختن به مسئله «هیأت» اهمیتی راهبردی دارد.

مفهوم فناوری اجتماعی و جایگاه هیأت

موضوعی که برای این نشست در نظر گرفته‌ام، «**هیأت؛ فناوری اجتماعی اقامه عبودیت**» است. منظور از «فناوری اجتماعی»، سازوکارها و نهادهایی است که یک جامعه برای رفع نیازها و مدیریت مسائل خود به آن‌ها دست می‌یابد؛ مانند سنت «دیه عاقله» که در گذشته یک فناوری اجتماعی برای توزیع ریسک محسوب می‌شد. در این میان، هیأت صرفاً یکی از ده‌ها فناوری اجتماعی موجود نیست؛ بلکه اگر نگوییم تنها فناوری، بی‌شک بی‌بدیل‌ترین نهاد برای اقامه عبودیت در جامعه است. جایگاه هیأت فراتر از یک ساختار عادی است و باید با چنین نگاهی به تحلیل آن پرداخت.

فلسفه خلقت و مراتب عبادت

اگر هدف غایی نظام اسلامی، تحقق اسلام است، باید به هدف اصلی خلقت بازگردیم. قرآن کریم صراحتاً می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا پرستند). حال پرسش این است که این مقام بندگی (عبودیت) چگونه محقق می‌شود؟

برای پاسخ، به دو روایت بنیادین از منابع کهن شیعه رجوع می‌کنیم. امیرالمؤمنین (ع) در حکمت ۲۳۷ نهج‌البلاغه و امام صادق (ع) در روایتی معتبر در اصول کافی، عبادت‌کنندگان را به سه گروه تقسیم می‌کنند: ۱. **عبادت بردگان (عبید):** کسانی که از سرترس از جهنم خدا را می‌پرستند. ۲. **عبادت مزدبگیران و تاجران (اجرا/تجار):** کسانی که برای دستیابی به ثواب و بهشت عبادت می‌کنند. ۳. **عبادت آزادگان (احرار):** کسانی که خدا را صرفاً از روی محبت و عشق می‌پرستند؛ و این برترین عبادات است.

نقد عبادات منفعت‌طلبانه از منظر امام خمینی

آیا دو قسم اول، در معنای حقیقی کلمه «عبادت» محسوب می‌شوند؟ عبادت واقعی به معنای «بندگی» و «خالی بودن از خواهش‌های نفسانی» است.

مرحوم امام خمینی در کتاب شریف «چهل حدیث»، تحلیل تکان‌دهنده‌ای در این باره دارند. ایشان می‌فرمایند اگر پیامبر اکرم (ص) به ما خبر می‌داد که چه عبادت کنید و چه معصیت، در هر صورت بهشت خواهید رفت و از عذاب در امانید، اما رضای خدا تنها در ترک شهوات و انجام عبادات است، آیا باز هم اهل عبادت می‌شدیم؟ پاسخ منصفانه این است که بسیاری از ما، کارهایمان بر مدار لذات نفسانی می‌چرخد. ما در واقع ترک یک لذت کوچک می‌کنیم تا به لذتی بزرگ‌تر (در بهشت) برسیم. امام صراحتاً می‌فرمایند که در پیشگاه عرفای بالله، این نوع عبادات منفعت‌طلبانه ما، تفاوت چندانی با گناهان کبیره ندارد، زیرا در آن‌ها همچنان «نفس» و «خودخواهی» محوریت دارد.

تفاوت نماز امیرالمؤمنین (ع) با نماز ما در طولانی بودن رکوع و سجود نیست؛ بلکه در جنس آن است. عمل آن‌ها، «کنش بی‌خواهش» است. چنین کنشی برای انسان‌های عادی تقریباً محال است و تنها به مخلصین (آنان که از قید نفس رها شده‌اند) اختصاص دارد.

محبت؛ راهکار بی‌بدیل شیعه برای رسیدن به عبودیت

در این شرایط دشوار که کنش بدون خواهش نفسانی برای عموم مردم ناممکن به نظر می‌رسد، مکتب تشیع روزه‌ای بی‌نظیر گشوده است.

در روایتی قدسی، خداوند از حضرت موسی (ع) می‌پرسد: «آیا تاکنون عملی خالصانه برای من انجام داده‌ای؟» موسی به نماز، روزه و صدقات خود اشاره می‌کند. خداوند می‌فرماید نماز برای تو برهان است، روزه سپر آتش، و صدقه سایبان؛ اما چه کاری برای من کرده‌ای؟ در نهایت، موسی درمی‌یابد که برترین عمل، «حُبِّ فی الله و بُغْضِ فی الله» (دوستی و دشمنی برای خدا) است. همچنین پیامبر اکرم (ص) در جمع اصحاب، محکم‌ترین دستگیره ایمان را نه صرفاً نماز و روزه و جهاد، بلکه دوستی اولیای خدا و برائت از دشمنان خدا معرفی می‌کنند.

اینجاست که معنای **عبادت آزادگان** روشن می‌شود. وقتی ما برای شهادت حاج قاسم سلیمانی می‌گرییم یا به علمای ربانی همچون آیت‌الله بهجت عشق می‌ورزیم، آیا در ازای این محبت منتظر پاداش بهشتی هستیم؟ خیر. این محبت، از جنس «کنش بی‌خواهش» و شبیه به عبادت مخلصین است.

به همین دلیل است که امام صادق (ع) می‌فرمایند: «هَلِ الدِّینُ إِلَّا الْحُبُّ؟» (آیا دین چیزی جز محبت است؟). استاد شهید مطهری نیز تأکید می‌کنند که تشیع، مکتب محبت است و این همان عمقی است که انسان را نجات می‌دهد.

نتیجه‌گیری: هیأت و هسته مقاومت فرهنگی

اگر هدف از آفرینش، عبودیت است و این عبودیت تنها در بستر «محبت» به معنای حقیقی خود می‌رسد، ترویج این محبت نیازمند یک فناوری اجتماعی قدرتمند است و آن چیزی نیست جز «هیأت».

نمی‌توان جامعه‌ای را که نیازمند تغذیه معنوی مستمر است، تنها با چند هیأت بزرگ یا در چند مناسبت محدود سالانه اداره کرد. این جریان باید مستمر باشد. مرحوم آیت‌الله قاضی در وصیت‌نامه مختصر خود، پس از تأکید بر نماز، بر یک مسئله پافشاری می‌کنند: «روضه هفتگی، ولو با حضور دو یا سه نفر».

در نهایت، اگر هیأت بتواند انسانی تربیت کند که به این سطح از عبودیت و محبت برسد و مصداق «أَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» شود، این انسان به مقاوم‌ترین فرد روی زمین تبدیل خواهد شد. هیأت، با پرورش چنین انسان‌هایی، اصلی‌ترین هسته مقاومت فرهنگی ماست.

والسلام علیکم ورحمة الله.

حجت‌الاسلام دکتر حمید پارسانیا؛ روضه خانگی از مشروط تا انقلاب اسلامی

مقدمه و طرح مسئله

بسم الله الرحمن الرحيم. در ابتدا از گروه سیاست‌گذاری فرهنگی و تمامی دست‌اندرکاران برگزاری این نشست قدردانی می‌کنم. موضوع مورد بحث، بررسی تاریخی روضه‌های خانگی در دوران معاصر، از مقطع مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران است.

ضرورت دارد که گروه‌های سیاست‌گذاری و علوم اجتماعی، مطالعات تاریخی دقیقی پیرامون وضعیت روضه‌ها پیش از دوران مشروطه انجام دهند. اگرچه اسناد مرتبط با روضه‌های عمومی در مساجد، حسینیه‌ها و تکایا به وفور یافت می‌شود، اما استخراج اطلاعات مربوط به روضه‌های خانگی نیازمند بررسی دقیق زندگی روزمره مردم در آن دوران است؛ چرا که این آیین‌ها همواره با کمیت و کیفیتی خاص در خانه‌ها جریان داشته‌اند. اطلاعات تاریخی دوران پس از مشروطه و عصر پهلوی نیز که به زمان ما نزدیک‌تر است، به شدت نیازمند ثبت، ضبط و تحلیل جامعه‌شناختی است.

روضه‌خوانی به مثابه منسک اجتماعی و هویت‌ساز

بررسی مجالس عزاداری از منظر کلامی، عرفانی و حدیثی جایگاه ویژه خود را دارد؛ اما از منظر تحلیل اجتماعی، روضه نوعی «منسک دینی» محسوب می‌شود. تجمع مردم در این مجالس، احساسی مشترک و یک «هویت جمعی» ایجاد می‌کند که به بازسازی «وجدان جمعی» جامعه می‌انجامد.

زندگی بشری همواره با مناسک گره خورده است. در جوامع سکولار، مناسک غیردینی (مانند المپیک یا جام جهانی) کارکرد ایجاد هویت جمعی را بر عهده دارند که محوریت آن‌ها زیست دنیوی است. اما در جهانی با هویت دینی، حتی ورزش نیز کارکردی معنوی و مناسکی دارد (مانند فرهنگ حاکم بر زورخانه‌ها).

بر اساس نظریه «انبوه خلق» گوستاو لوبون، تجمع انسان‌ها در فضاهای تهی از معنای عمیق فرهنگی، می‌تواند منجر به بروز خشونت و رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی شود. در نقطه مقابل، هنگامی که تجمع حول یک محور و هویت دینی شکل می‌گیرد، خصلت‌های فردگرایانه و لذت‌جویانه جای خود را به فداکاری، ایثار و گذشت می‌دهند. مناسک جمعی، نظیر آنچه در اربعین، حج یا مجالس عزاداری سیدالشهدا (ع) رخ می‌دهد، تجربیات معنوی بی‌نظیری خلق می‌کنند که انسان در زندگی فردی قادر به درک آن‌ها نیست؛ چرا که به تعبیر روایات، «یدالله مع الجماعة» (دست خدا با جماعت است).

کارکردهای اجتماعی و معنوی روضه‌های خانگی

در روضه‌های خانگی، مؤلفه‌های متعددی نظیر صله رحم و ارتباطات انسانی تجمیع می‌شوند. هنگامی که نام امام حسین (ع) بر یک دورهمی محله‌ای سایه می‌افکند، اغراض دنیوی، تفاخرها و فردگرایی‌ها کمرنگ شده و یک معنای متعالی، تمام ابعاد زندگی روزمره را تحت پوشش خود قرار می‌دهد.

سیر تحول تاریخی روضه‌ها در دوران معاصر

۱. دوران قاجار و مشروطه

در این دوران، تجمعات قومی، شهری و محله‌ای همواره تحت لوای نام اهل‌بیت (ع) برگزار می‌شد. حرکات بزرگ اجتماعی نظیر نهضت تحریم تنباکو نیز پیوندی عمیق با همین باورهای دینی و مجالس مذهبی داشتند. در این مقطع، سیاست حاکمان وقت (مانند شاهان قاجار)، همراهی ظاهری و گرفتن پوشش دینی برای حفظ قدرت بود.

۲. دوران اختناق رضاخانی

با روی کار آمدن رضاخان، راهبرد حکومت از «پوشش دینی گرفتن» به «حذف کامل دیانت» تغییر یافت. حکومت پهلوی اول که برخاسته از فرهنگی کاملاً دنیوی بود، تقابل با مظاهر دینی را آغاز کرد. مساجد و تکایا بسته شدند و عزاداری برای امام حسین (ع) ممنوع اعلام شد. اوج این سرکوب در واقعه مسجد گوهرشاد رخ داد؛ جایی که کانون قداست مذهبی مورد هجوم نظامی قرار گرفت.

در این شرایط که مردم امکان بروز اجتماعی هویت دینی خود را از دست داده بودند، **روضه‌های خانگی** به عنوان یک پناهگاه مورد استقبال گسترده قرار گرفت. مؤمنان شبانه و از طریق پشت‌بام‌ها در این مجالس شرکت می‌کردند تا وجدان تاریخی و دینی خود را در برابر هجوم همه‌جانبه سیاست‌های ضد‌دینی حفظ کنند.

۳. دوران پس از شهریور ۱۳۲۰ (تغییر مضامین روضه‌ها)

با سقوط رضاخان، روضه‌های خانگی که پیش‌تر مخفیانه و شبانه برگزار می‌شدند، به صورت علنی و صبحگاهان در ماه‌های محرم و صفر برپا شدند. به لحاظ محتوایی، مجالس این دوره متأثر از مظلومیت و فشارهای دوران اختناق بود؛ لذا مفهوم «**مظلومیت**» و بیان رنج‌های ائمه اطهار (به‌ویژه امام سجاد علیه‌السلام) به عنصر محوری روضه‌ها تبدیل شد که بازتاب‌دهنده تسکین و وضعیت وجدان اجتماعی آسیب‌دیده مردم بود.

۴. آستانه انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس

با تغییر شرایط تاریخی و نیازمندی جامعه به مفاهیم نو، مفهوم انفعالی مظلومیت جای خود را به مفاهیم حماسی داد. در هیأت‌های مذهبی سال‌های منتهی به انقلاب (نظیر قیام ۱۵ خرداد و سال‌های ۵۶-۵۷)، مفاهیمی چون «**جهاد و شهادت**» که در متن واقعه عاشورا مستتر بودند، بازآفرینی شدند.

در دوران جنگ تحمیلی نیز، روضه‌های خانگی و مجالس مذهبی به کانون اصلی جمع‌آوری کمک‌های مردمی، پشتیبانی از جبهه‌ها و تأمین نیازهای عاطفی و مادی خانواده‌ها تبدیل گشتند.

الزامات سیاست‌گذاری فرهنگی در عصر حاضر

امروزه با گسترش سبک زندگی مدرن و نفوذ رسانه‌ها، نهاد خانواده بسیاری از کارکردهای سنتی خود را از دست داده است. در این تقابل فرهنگی، جامعه به صورت غریزی برای حفظ باورهای خود به مناسکی نظیر پیاده‌روی اربعین یا زیارت امام رضا (ع) پناه می‌برد (استقبال سالانه ۳۵ تا ۳۷ میلیون زائر)، حرکتی که غالباً جلوتر از برنامه‌ریزی سیاست‌گذاران در حال وقوع است.

توصیه‌های راهبردی:

- **پشتیبانی از نهاد خانواده:** تقویت روضه‌های خانگی می‌تواند به احیای کارکردهای هویتی خانواده کمک شایانی کند.

- **به‌روزرسانی مفاهیم:** محتوای مجالس باید متناسب با زمان‌آگاهی و نیازهای روز جامعه از الگوی حیات اهل بیت (ع) استخراج شود.
- **هوشیاری در برابر نفوذ:** از آنجا که مناسک لایه بیرونی تفکر هستند (عرصه هنر و مداحی)، باید مراقب بود که محتوای این مجالس از مفاهیم عمیق دینی تهی نشده و به مجرای برای نفوذ دشمن تبدیل نگردد. دشمنان نیز دریافته‌اند که برای نفوذ در جامعه ایمانی، ناگزیر به استفاده از پوشش‌های مذهبی و مناسکی هستند.

ضمیمه: خاطرات تاریخی و تاریخ شفاهی

توضیحات مجری نشست: < در راستای تاریخ شفاهی روضه‌های خانگی در دوران استبداد رضاخانی، کتاب‌هایی نظیر «**قندان‌های همیشه پر**» (با محوریت خاطرات شهر قم) منتشر شده است. نام این کتاب اشاره به دورانی دارد که به دلیل قحطی و گرانی، قند در خانه‌ها نایاب بود، اما به برکت سیدالشهدا (ع)، قندان‌های مجالس روضه همواره پر بود. همچنین حرکت منسجم «**هیأت‌های متحده برادران**» در شیراز به رهبری مرحوم **آقا نور شیرازی** در دوره پهلوی اول، با داشتن نشان، شعار و پرچم‌های واحد، نمونه‌ای درخشان از انسجام اجتماعی در آن دوران است.

خاطره پایانی استاد پارسانیا:

در دوران کودکی، شاهد استمرار سنت روضه‌های خانگی به جا مانده از دوران رضاخان در محله‌مان بودم. اهالی محل هم‌پیمان شده بودند تا دوره‌های ۶۰ روزه روضه‌خوانی محرم و صفر را زنده نگه دارند. حتی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ نیز بازماندگان آن نسل این سنت را حفظ کرده بودند؛ شخصیت‌هایی مانند مرحوم شهید «تدین» از جمله پرورش‌یافتگان همین مجالس خانگی و محله‌ای بودند.

حجت‌الاسلام علی فرحانی؛ دانش ضمنی روضه خانگی و نقش آن در احیای تمدن نوین اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

(الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و على آله الطاهرين. اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم)

پس از عرض سلام و کسب اجازه از محضر اساتید بزرگوار حاضر در جلسه (جناب آقای قنبریان، جناب آقای شریعتی، جناب آقای آبروش و سایر اساتید ارجمند) و همچنین عرض خیرمقدم و تشکر از فرهیختگان، دانشجویان و طلاب دغدغه‌مند، با توجه به محدودیت زمان، مباحث خود را به صورت خلاصه و ساختاریافته ارائه می‌نمایم.

۱. ماهیت هنر و فرهنگ در نگاه رهبر معظم انقلاب

نقطه عزیمت بحث من، کلامی از مقام معظم رهبری است. ایشان در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۸۴، در جمع پیشکسوتان جهاد و شهادت و فعالان دفتر ادبیات مقاومت، تعبیر دقیقی به کار بردند: «تأثیر هنر به خواست کسی که مخاطب هنر است وابستگی ندارد. او بخواهد یا نخواهد، هنر این اثر را خواهد گذاشت». ایشان در جای دیگری همین تعبیر را در مورد مفهوم «فرهنگ» نیز به کار برده‌اند. بنابراین، مقدمه اول بحث این است که ما باید ابتدا شناخت دقیقی از پدیده فرهنگ داشته باشیم.

از سال ۱۹۴۱ میلادی تاکنون، اندیشمندان صدها تعریف (بین ۳۷۰ تا ۵۰۰ مورد) برای فرهنگ ارائه داده‌اند؛ اما فراتر از اصطلاحات مرسوم دانشگاهی و حوزوی، فرهنگ پدیده‌ای است که باید در بطن جامعه بنشیند و نهادینه شود. فرهنگ باید با گوشت، پوست و استخوان جامعه درآمیزد تا زمانی که انسان به بازخوانی آن می‌پردازد، متوجه رسوب و شکل‌گیری هویتی به نام «فرهنگ» در درون خود بشود.

۲. تقابل نگاه ارگانیک با رویکردهای دستوری و تجویزی

ابزارهای مفهومی و دوگانه‌های فلسفی متعارف ما، نظیر تقسیم «هست و باید»، توانایی به دوش کشیدن بار معنایی مفاهیم فرهنگی را ندارند. نظام علمی و حکمی ما در صورت‌بندی این مفاهیم نیازمند کار و تقویت بیشتر است. خطای راهبردی زمانی رخ می‌دهد که مفاهیم فرهنگی را صرفاً «اعتباری» می‌پنداریم و از دل این اعتباریات، به گزاره‌های «باید» و «تجویز» می‌رسیم. واقعیت این است که رویکرد تجویزی و دستوری، غالباً «فرهنگ کش» است تا «فرهنگ ساز».

برای درک مقوله فرهنگ، ما نیازمند توجه به مفهوم «دانش ضمنی» (Tacit Knowledge) هستیم. اگر می‌خواهیم مفاهیم فرهنگی را به درستی تحلیل کنیم، باید به فرهنگ به چشم موجودی زنده، فعال و ارگانیک در کف جامعه نگاه کنیم و سپس به بازتحلیل آن پردازیم. فقدان این نگاه ارگانیک، منجر به خطاهای محاسباتی خواهد شد. ما در طول تاریخ، با همین نگاه ارگانیک توانسته‌ایم پدیده‌ای عظیم به نام «فرهنگ حسینی» یا «فرهنگ عاشورا» را رقم بزنیم.

۳. تفاوت «فقه فرهنگ» با فقه متعارف

فقه اسلامی ما، با تمام دستورات الزامی و تنزیهی‌اش، در یک بازه زمانی ۲۵۰ ساله (از هجرت پیامبر تا غیبت صغری) به صورت تدریجی شکل گرفته است؛ چرا که مصلحت احکام نیازمند تدریج بود. با این حال، هنگامی که وارد حوزه فرهنگ می‌شویم، می‌بینیم که پیامبر اکرم (ص) فرهنگ‌های تمدن‌ساز و تأثیرگذاری را در همان دوران کوتاه حیاتشان در عمق جامعه نهادینه کردند.

بنابراین، «فقه فرهنگ» و نظریه فرهنگی اسلام، تفاوت ماهوی با فقه متعارف (مانند فقه طهارت) دارد. همان‌گونه که علامه طباطبایی در جلد چهارم تفسیر المیزان اشاره می‌کنند، ما در پی «احیای تمدن اسلامی» هستیم؛ تمدنی که در صدر اسلام با تزریق کلان‌ایده‌های فرهنگی به کالبد جامعه پا گرفت و رشد کرد.

۴. روضه خانگی؛ سلول بنیادین و ارگانیک فرهنگ عاشورا

یکی از مهم‌ترین فرهنگ‌هایی که از گذشته تا به امروز امتداد یافته، «فرهنگ مقاومت و عاشورا» است. اگر این فرهنگ را با نگاه‌های تقلیل‌گرایانه فلسفی، الگوریتمی یا اعتباریات فقهی بررسی می‌کردیم، احتمالاً روح آن از بین می‌رفت. در مطالعه بستر تاریخی این فرهنگ، درمی‌یابیم که مهم‌ترین سلول شکل‌دهنده آن، «روضه خانگی» بوده است. سنگ بنای این نهاد، «اهل خانه» و در رأس آن «زنان» بوده‌اند (حتی در روضه‌های مردانه). جامعه شیعی در دوران تقیه که بسیاری از احکام فقهی قابلیت بروز علنی نداشتند (همان‌طور که مرحوم آیت‌الله بروجردی بر فهم روایات شیعه در حاشیه و اتمسفر روایات عامه تأکید داشتند)، توانست از طریق روضه‌های خانگی، هویتی زنده و هوشمند را خلق کند که دانش ضمنی عظیمی را در خود نهفته دارد.

۵. کارکردها و دستاوردهای روضه‌های خانگی در دنیای مدرن

اگر بخواهیم دانش ضمنی نهفته در این موجود ارگانیک (روضه خانگی) را واکاوی کنیم، به دستاوردهای بی‌بدیلی می‌رسیم:

- **ترسیم هندسه معنایی تشیع:** روضه‌های خانگی درک درستی از روح تشیع به ما می‌دهند؛ هندسه‌ای که امروز در حیات ما کمرنگ شده و به همین دلیل، مفاهیمی چون توکی و تبرّی گاهی در جایگاه درست خود قرار نمی‌گیرند.
- **ابطال ماده‌گرایی:** این نهاد، نگاه مادی‌گرایانه را در افراد خنثی می‌کرد. امروز سرطان ماده‌گرایی حتی در بخش‌هایی از حوزه‌های علمیه نیز نفوذ کرده و زهد و توکلی که روزگاری موتور محرک تولید علم بود، کمرنگ شده است. روضه خانگی بستر عبور از ماده برای توسعه فکر و تمدن بود.
- **ترمیم گسل‌های اجتماعی:** روضه‌های خانگی داروی مؤثری برای درمان «تنهایی مدرن» در قرن ۲۱ هستند. افرادی که مستمراً در این مجالس شرکت می‌کنند، در محیط کار و زندگی شاداب‌تر و زنده‌ترند و فردگرایی مضر در آن‌ها دفع می‌شود.

- **احیای «الگوی سنگر»:** همانند دوران دفاع مقدس که رزمندگان در سنگرها با نهایت اخلاص قلب، زیست جمعی داشتند، در روضه‌های خانگی اصیل نیز، افراد در کنار هم و در اوج اخلاص ضجه می‌زنند. این یعنی الگوی بی‌نظیری از جمع میان «فردیت و اخلاص» با «زیست اجتماعی».
 - **مدیریت اقتصاد عاطفی جمعی:** حضور در این کلونی‌های معنوی، عواطف جمعی را تنظیم و مدیریت می‌کند؛ تجربه‌ای که امروز در زیست اجتماعی و انقلابی خود به شدت به آن نیازمندیم تا از افراط و تفریط‌های موجود در صحنه‌های سیاسی و تربیتی جلوگیری کنیم.
- والسلام علیکم و رحمه الله.

حجت‌الاسلام محسن قنبریان؛ سه موقعیت تاریخی روضه خانگی و موج سوم تولی

بسم الله الرحمن الرحيم.

مباحث این نشست، تحت عنوان «سه موقعیت تاریخی روضه خانگی و موج سوم تولی» ارائه می‌گردد. این موضوع به بررسی سه دوره تاریخی متفاوت از جایگاه روضه‌های خانگی و مفهوم «دیگری» (نیروی متخاصم یا رقیب) در هر یک از این دوره‌ها می‌پردازد. متأسفانه در موقعیت سوم (عصر حاضر)، هنوز نتوانسته‌ایم نرم‌افزار فرهنگی روضه خانگی را متناسب با نیازهای روز بازتولید کنیم.

در ادامه، تفصیل این سه موقعیت تاریخی بررسی می‌شود:

۱. موقعیت نخست: دوران حضور ائمه (علیهم‌السلام) و فقدان حکومت شیعی

در دوره نخست (به‌ویژه در زمان امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام)، حکومت در دست شیعیان نبود و اصلی‌ترین نهاد و کانون اتکای تشیع، خانواده محسوب می‌شد.

- **دیگری (رقیب):** در این دوره، دیگری روضه‌های خانگی، «ائمه جور» (حاکمان ظالم) و قاتلان واقعه عاشورا بودند.

- **ویژگی‌ها و رویدادها:** مضامین روضه‌ها در کنار رثای سیدالشهدا (ع) و بیان مناقب اهل بیت (ع)، ماهیتی ضدحکومتی داشت. شاعران و مرثیه‌سرایان بزرگی چون کمیت / سدی (شاعر، فقیه و حافظ قرآن)، جعفر بن عفان طائی، ابوهارون مکفوف و ابوعماره مُنشد در خانه‌های ائمه (ع) حضور می‌یافتند و با سوز و گداز به مرثیه‌خوانی می‌پرداختند.

- **خرده‌فرهنگ‌ها:** در این جلسات، زنان (مانند ام‌فروه) حضور فعال داشتند و گاه نمادسازی‌هایی شبیه به تعزیه امروزی (مانند آوردن قنداقه شش‌ماهه در حین خواندن روضه حضرت علی‌اصغر) در همان خانه‌ها شکل می‌گرفت. اشعار این دوره دارای هندسه، فصاحت ادبی بالا و تقابل آشکار با حاکمان جور بود.

۲. موقعیت دوم: شکل‌گیری دولت‌های شیعی

در دوره دوم (از قرن چهارم تا دهم هجری)، نهاد تشیع موفق به تأسیس دولت‌هایی چون آل‌بویه، فاطمیان، سربداران و صفویه شد. در این عصر، عزاداری‌ها از خانه‌ها به عرصه عمومی کشیده شد و دولت‌ها نیز از آن حمایت کردند (مانند تعطیلی شهر بغداد در عاشورای سال ۳۵۲ ه.ق).

- **دیگری (رقیب):** در این مقطع، با توجه به قدرت گرفتن شیعه، دیگری گفتمانی به «عامه» (اهل سنت، به‌ویژه جریان‌های سخت‌گیری چون حنابلّه) تغییر یافت.

- **تداوم روضه خانگی:** با وجود برگزاری عزاداری‌های عمومی، گاه به دلیل مصلحت‌اندیشی حکومت‌ها یا فشارهای جریان‌های مخالف، مجالس عمومی محدود می‌شد؛ اما روضه خانگی به‌عنوان حلقه اتصال و کانون مقاومت فرهنگی کماکان پابرجا ماند و حتی وسعت یافت.

- **نقش آفرینی زنان و نوآوری‌ها:** در این دوره (آغاز عصر غیبت)، زنان به یکی از پیشران‌های اصلی روضه‌های خانگی تبدیل شدند و بانوانی چون خُکب در بغداد، مجالس بسیار مؤثری را اداره می‌کردند که در نهایت به شهادت او توسط مخالفان انجامید. همچنین عناوینی چون «نائه» (نوحه‌خوان) در کنار شاعران و منشدان رواج یافت.

۳. موقعیت سوم: عصر معاصر و مواجهه با استعمار

موقعیت سوم که دوران معاصر ما را در بر می‌گیرد، عصر مواجهه با پدیده چندوجهی **استعمار** (در ابعاد نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی) است.

- **دیگری (رقیب):** در این دوره، دیگریِ تشیع، «**استعمار و غرب**» است.
- **نقش گفتمان شیعی:** علمای بزرگ شیعه در مواجهه با استعمار، از ادبیات عاشورایی و مهدوی بهره بردند. به عنوان نمونه:

- در جنگ‌های ایران و روس، علمایی چون *کاشف‌الغطاء* و *میرزای قمی* با صدور «رساله‌های جهادیه»، نبرد با کفار را هم‌سنگ یاری امام حسین (ع) در کربلا خواندند.
 - در جریان قرارداد استعماری ۱۹۱۹ و کودتای ۱۲۹۹، مجالس عزاداری اباعبدالله (ع) به کانون اصلی مقابله با انگلیس تبدیل شد.
 - در مبارزات اقتصادی، *آخوند خراسانی* حمایت از تولیدات داخلی (شرکت اسلامی) را معادل جهاد در رکاب امام زمان (عج) دانست.
- در مقاطعی چون دوران اختناق رضاخانی یا کودتای ۲۸ مرداد نیز، همین روضه‌های خانگی بودند که در قالب سنگرهای مخفی، فرهنگ مقاومت را حفظ کردند.

نتیجه‌گیری: موج سوم تولی و اخلاق اجتماعی

با نگاهی تحلیلی به این سه موقف تاریخی، می‌توان دریافت که محبت و ولایت اباعبدالله الحسین (ع) در طول تاریخ، رئوس مکارم اخلاق را در جامعه شیعی پایه‌گذاری کرده است:

۱. **شجاعت:** روضه‌ها از زمان ائمه تا دوران دفاع مقدس و مدافعان حرم، روحیه تسلیم‌ناپذیری و شجاعت در برابر استبداد و استعمار را پرورش داده‌اند.
۲. **سخاوت:** این محبت، قومی را در قالب سنت‌هایی چون نذر و وقف، از حد متعارف خود سخی‌تر و بخشنده‌تر کرده است.
۳. **عفاف (گام سوم و حلقه مفقوده):** در موقعیت کنونی که اصلی‌ترین پیشران استعمار، «تهاجم فرهنگی» است، مجالس ما باید بتوانند فضیلت «**عفاف**» را در جامعه نهادینه کنند.

متأسفانه در این گام سوم کم‌کاری شده است. ما به لحاظ مهندسی فرهنگی از نسل‌های گذشته ضعیف‌تر عمل کرده‌ایم. فناوری استخراج «عفاف» از دلِ روضه و تولی، هنوز در منابع، اشعار و خرده‌فرهنگ‌های ما به شکل شایسته نهادینه نشده است. کانون خانواده و روضه‌های خانگی، اصلی‌ترین سنگر برای تحقق این «**موج سوم عشق**» هستند و نیازمند بازتولید نرم‌افزاری و سخت‌افزاری متناسب با این موقف تاریخی می‌باشند. (تفصیل این ایده در کتاب «موج سوم عشق» به نگارش درآمده است).

حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان؛ روضه خانگی مظهر صداقت در تقوای قلوب

مقدمه و طرح بحث

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و حبيينا ابى القاسم المصطفى محمد و آله الطيبين الطاهرين المعصومين.

با وجود آنکه این روزها به دلیل سرماخوردگی وضعیت صدایم چندان مساعد نیست، اما بیشترین گفتگوها را داشته‌ام. سعی می‌کنم مباحث این جلسه را کوتاه عرض کنم. جلسه پرسش و پاسخ ائمه جماعات که پیش از این در آن حضور داشتم، به دلیل اهمیت و حساسیت موضوعاتی که در سطح کشوری مطرح بود، به طول انجامید و موجب تأخیر بنده شد. با توجه به برنامه‌های کاری در تهران و پرواز به سمت نجف اشرف، زمان محدودی در اختیار دارم و از جناب آقای آب‌فروش درخواست می‌کنم تدبیری برای زمان پرواز بیندیشند.

بنده با بهره‌گیری از بیانات جناب آقای قنبریان درباره ریشه‌های تاریخی و آثار بزرگ اجتماعی روضه‌های خانگی اباعبدالله الحسین (ع) – که نقطه آغازین حرکت تا حماسه اربعین بوده‌اند – به عنوان مقدمه، یک نکته راهبردی و مهم را عرض می‌کنم.

خطای راهبردی در مواجهه با روضه‌های خانگی

یک خطای راهبردی بزرگ این است که تصور کنیم اگرچه انقلاب، نظام، جبهه مقاومت و تمدن عظیم اسلامی پیش رو، ریشه در روضه‌های خانگی دارند، اما امروزه دوران این روضه‌ها به سر آمده و تنها باید به آیین‌های بزرگی همچون اربعین و تظاهرات عظیم حسینی بسنده کرد. متأسفانه بسیاری دچار این اشتباه شده‌اند؛ هیأت‌های بزرگ با افتخار برای «تعظیم شعائر حسینی» پرچم‌داری می‌کنند و وقتی به آثار با عظمت عزاداری‌های کلان (که خود نظام اسلامی یکی از آن‌هاست) می‌رسند، گمان می‌کنند جامعه دیگر از آن سرچشمه‌های خانگی بی‌نیاز شده است.

نخستین بار، این اشتباه راهبردی در تاریخ انقلاب و پس از پیروزی آن رخ داد. تظاهرات بزرگ تاسوعا و عاشورای تهران، کار رژیم ستمشاهی را تمام کرده بود. پس از انقلاب، از رادیو اعلام شد که دیگر نیازی به دسته‌های عزاداری نیست و باید در میدان امام حسین (ع) صرفاً تجمع و تظاهرات سیاسی برگزار شود و آوردن پرچم و علم و کتل ممنوع است. در آن زمان، حضرت امام خمینی (ره) شخصاً سخنرانی کردند و فرمودند که دسته‌های عزاداری باید به قوت خود باقی بمانند.

بنده می‌خواهم با استفاده از قاعده «تنقیح مناط» عرض کنم که امروز نیز روضه‌های خانگی باید به قوت خود باقی بمانند. رسیدن به این دریای پرخروش، ما را از آن چشمه‌های جوشان بی‌نیاز نمی‌کند. ما همواره به مسئولان هیأت‌های بزرگ توصیه کرده‌ایم که در کنار برگزاری مراسم‌های چندهزار نفری، روضه خانگی خود را نیز حفظ کنند، چرا که آن محفل، منبع تغذیه معنوی فرد و خانواده اوست.

ضرورت روضه‌های خانگی برای نسل آینده

امروزه که تعظیم شعائر حسینی در ابعاد ملی و جهانی (مانند حماسه اربعین یا حسینیه اعظم زنجان) تجلی یافته، ضرورت روضه‌های خانگی بیش از پیش احساس می‌شود. دلیل این امر آن است که گاهی نسل آینده در خانواده‌های مذهبی ممکن است دچار خطای شناختی شده و عزاداری را صرفاً یک «رسم اجتماعی» بپندارد که ارتباطی با عمق قلوب ندارد. هنگامی که کودک صرفاً در آیین‌های عمومی و بزرگ شرکت می‌کند، ممکن است این اجتماعات را بدون ارتباط وثیق با عواطف جاری در محیط خانه درک کند. این مسئله می‌تواند آثار سوئی به همراه داشته باشد و حتی موجب دوری یا واکنش منفی برخی افراد شود.

برای مثال، نویسنده روشنفکر کتاب «شهید جاوید» در مقدمه کتاب خود اعتراف می‌کند که در کودکی از دیدن مجالس عزاداری خشمگین می‌شده و گمان می‌کرده این گریه‌ها بیهوده است، تا اینکه بعدها با دلایل آن آشنا شده است. این نشان می‌دهد که اکتفا کردن به مراسم‌های عمومی پرشور، نمی‌تواند همه را جذب کند و آن «صداقت» جاری در جان‌ها را به نسل بعد منتقل سازد.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ». صداقت این «تقوای قلب» برای نوجوانان زمانی ثابت می‌شود که ببینند مادرشان در خانه، مستقیماً و با خلوص نیت در حال خدمت به روضه اباعبدالله (ع) است. این امر، عزاداری را از یک حالت صرفاً اجتماعی خارج کرده و به آن عمق می‌بخشد.

البته این سخن به معنای نفی ارزش روضه‌های بزرگ و تعظیم شعائر ملی و جهانی نیست؛ آن‌ها کارکرد ارزشمند خود را دارند. اما نباید تنها به آن‌ها بسنده کرد. حتی با مطالعات میدانی و نظرسنجی می‌توان اثبات کرد افرادی که به تظاهرات بزرگ حسینی التزام چندانی ندارند، غالباً در برابر روضه‌های خانگی بستگان خود، برخورد بسیار محترمانه‌تری نشان می‌دهند.

آسیب‌شناسی عدم برگزاری روضه‌های خانگی

متأسفانه بسیاری از افراد مذهبی که در نماز جمعه و جلسات بزرگ شرکت می‌کنند، به همان مجالس قانع بوده و در منزل روضه خانگی ندارند. نداشتن روضه خانگی برای کسی که دغدغه اجتماعی عزاداری دارد، مانند فردی است که عضو هیأت امنای مسجد باشد، اما در خانه خود نماز نخواند! این یک ابتلای عمومی (عام‌البلوی) است و باید برای آن چاره‌ای اندیشید.

هیچ کس برای از دست دادن عزیزانش تنها به یک مجلس ختم اکتفا نمی‌کند، بلکه در خانه نیز گردهم می‌آیند و یاد او را گرامی می‌دارند. این نشانه صدق ارتباط عاطفی است و ما باید همین رویه را درباره اهل بیت (ع) نیز داشته باشیم. از سوی دیگر، از نظر تیپ‌شناسی شخصیتی، انسان‌ها متفاوت‌اند. برخی افراد به دلایل روحی، در روضه‌های خانگی و جمع‌های کوچک خانوادگی احساس راحتی و تقرب بیشتری به سیدالشهدا (ع) پیدا می‌کنند و از حضور در جلسات عمومی و شلوغ پرهیز دارند. ما باید این تفاوت‌ها را پذیرفته و بستر مناسب را برای همه فراهم کنیم.

نقش روضه‌های خانگی در تربیت اجتماعی و مواسات

در یک جامعه مردم‌سالار دینی که بر پایه حدیث «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» بنا شده، ما نیازمند «تربیت اجتماعی» برای خود و فرزندانمان هستیم تا بتوانیم در تمدن اسلامی حضوری فعال داشته باشیم. کامل‌ترین و نزدیک‌ترین مسیر برای این تربیت اجتماعی، روضه‌های خانگی است:

- **تقویت مهارت‌های اجتماعی مادران:** بانویی که در خانه روضه برگزار می‌کند، در برقراری ارتباط با اقشار مختلف جامعه بسیار توانمندتر از کسی است که تنها در مجالس شرکت می‌کند. این افراد در عرصه‌هایی نظیر امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه نیز موفق‌تر عمل می‌کنند.
- **شبکه‌سازی عمیق اجتماعی:** روضه خانگی حصار فامیل را می‌شکند و همسایگان و آشنایان را گرد هم می‌آورد. ترکیب این مناسبت جدید اجتماعی با عنصر «عاطفه و اشک»، روابط انسانی را بسیار تعالی می‌بخشد.
- **توسعه فرهنگ «مواسات»:** روضه‌های خانگی عالی‌ترین تمرین برای رسیدن جامعه به «مواسات» (همدلی و کمک مؤمنانه) است. باز کردن در خانه به روی عزاداران امام حسین (ع) و پذیرایی از آنان، مرحله‌ای از از خودگذشتگی است که حتی مساجد (در صورت فقدان ذکر عترت و پذیرایی) فاقد این میزان از جذابیت و همبستگی هستند.
- **رشد خلاقیت و هویت‌بخشی به کودکان:** تحقیقات نشان داده است که آموزش «زندگی همدلانه» به شدت موجب رشد خلاقیت علمی دانش‌آموزان می‌شود. روضه خانگی بهترین بستر برای آموزش این همدلی است؛ جایی که کودک با پذیرایی از مهمانان، احساس هویت و ارزشمندی می‌کند.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نقص امروز جامعه ما، فقدان تربیت اجتماعی متعالی شیعی و زندگی مواساتی است؛ همان سطحی از برادری که امام باقر (ع) آن را شرط ظهور می‌دانند. متأسفانه ساختارهای اداری و آموزشی کنونی غالباً در تضاد با این روحیه اخوت هستند. ما هیچ‌کجا جز در هیأت‌ها (مانند حماسه اربعین و روضه‌های خانگی) فرصت تجربه این زندگی جمعی و مواساتی را نداریم.

اگر می‌گوییم امام حسین (ع) «قَتِيلُ الْعَبْرَةِ» (کشته اشک چشم) است، می‌توان گفت مصداق اتم و اکمل تولید این اشک خالصانه، همین روضه‌های خانگی زنان است. جایی که کودک، خلوص و محبت مادر را می‌بیند و از او روابط صحیح اجتماعی را می‌آموزد. طبق روایات، انتقال «حب علی بن ابی‌طالب (ع)» به فرزندان، حداقل وظیفه یک مادر است و روضه‌های خانگی، مؤثرترین محل برای تجلی و انتقال این محبت به نسل‌های آینده به شمار می‌رود.

بنده به دلیل کمبود وقت و فرارسیدن زمان اذان، عرایض را همین‌جا خاتمه می‌دهم. از اینکه نتوانستم تا پایان جلسه و بخش ذکر مصیبت در خدمت شما باشم عذرخواهی می‌کنم و شما را به خدا می‌سپارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

حجت‌الاسلام مهدی کشاورزیان؛ روضه خانگی و انسان مدرن

سخنرانی حجت‌الاسلام مهدی کشاورزیان (مدیر مؤسسه ثاقب)

بسم الله الرحمن الرحيم.

«ای سرّ خُفی، نور جلی ادر کنی / ای دست خدای ازلی ادر کنی / تو دست خدایی و من افتاده‌ام / یا حضرت مرتضی علی ادر کنی»

عرض سلام، ادب و احترام دارم و از اینکه اجازه دادید در این جمع فرهنگی، فرهیخته و نخبه خدمتگزار باشم و دقایقی به ارائه محتوا پردازم، سپاسگزارم. با مشاهده فهرست اساتید حاضر، حقیقتاً خود را در این جایگاه نمی‌دیدم؛ اما به قول معروف: «بخت اگر رو کند، پیاز و ثُرب در صف میوه بنشیند». گاهی اوقات، امام حسین (ع) در مسیر کسی که در دستگاه ایشان نوکری کرده است، چنین توفیقاتی را قرار می‌دهد.

امروز اساتید بزرگوار، پدیده «روضه خانگی» را از ابعاد مختلفی چون مبانی، تاریخچه، آثار و فواید بررسی کردند. بنده قصد دارم از زاویه‌ای دیگر و از منظر «ارکان و موجودیت‌های تشکیل‌دهنده» به این موضوع پردازم تا شاید به نتایج و سرنخ‌های جدیدی دست یابیم.

ارکان چهارگانه روضه خانگی

با نگاه به ساختار روضه‌های خانگی، می‌توان چهار رکن یا موجودیت اصلی را (با واژه‌سازی‌های پیشنهادی) تعریف کرد:

۱. روضه‌خوان: شخصی که به ذکر مصیبت و سخنرانی می‌پردازد.

۲. روضه‌دار: میزبان و بانی برگزاری روضه.

۳. روضه‌خواه: مخاطبی که تشنه شنیدن روضه است و درخواست برگزاری یا شرکت در آن را دارد.

۴. روضه‌یار: رکن چهارمی که شاید در گذشته کمتر دیده می‌شد اما در عصر حاضر، به تعبیر استاد قنبریان، باید جدی‌تر گرفته شود. روضه‌یار همان تسهیل‌گر و به اصطلاح «پادوی روضه» است که مقدمات برگزاری را فراهم می‌کند.

تقابل انسان مدرن و سنت روضه

این چهار رکن، در ظرف زمان حال و توسط انسان‌هایی ایفا می‌شوند که ویژگی‌های «انسان مدرن» را دارند. انسان مدرن دارای تحلیل است اما تحمل کمی دارد؛ محتواگراست اما کمتر به معنا می‌پردازد؛ مرتبط است اما متصل نیست؛ به تنهایی خو گرفته و گرچه در جمع غوطه‌ور است، اما از اجتماع فراری است؛ اطلاعاتش سریع است اما عمیق نیست و در عین راحت‌طلبی، احساس ناراحتی می‌کند.

بدیهی است که روضه‌خوان، روضه‌دار و مستمع امروز با یک قرن پیش، یا حتی پیش از انقلاب، تفاوت‌های بنیادین دارند. به عنوان مثال، از خارج از کشور با مؤسسه ثاقب تماس می‌گیرند و می‌خواهند برایشان از پشت تلفن روضه بخوانیم. وقتی پیشنهاد می‌دهیم که بهترین مداحی‌ها را دانلود کنند، نمی‌پذیرند و تأکید دارند که روضه باید اختصاصاً برای آن‌ها خوانده شود. جالب است بدانید مجموعه‌ای مرتبط، تنها در هفته گذشته ۱۱۲۶ جلسه روضه تلفنی برگزار کرده است!

این نیازهای جدید («روضه‌خواهی» مدرن) باید به درستی فهم و تحلیل شود. ما با انسان مدرنی مواجهیم که به شدت درگیر تجملات و تشریفات است و اکنون می‌خواهد در سنتی‌ترین اتفاق دینی، یعنی روضه خانگی، نفس بکشد.

مؤسسه ثاقب و چالش «اقتصاد روضه»

مؤسسه ثاقب پلتفرم و سکویی است که در دوران شیوع کرونا (تبدیل تهدید به فرصت) متولد شد تا به عنوان یک «اسنپ تبلیغی»، روضه‌خوان را به روضه‌دار و روضه‌خواه متصل کند. اما این مسیر چالش‌های پیچیده‌ای دارد و ما حق حتی یک اشتباه را نداریم.

یکی از حساس‌ترین مسائل، «اقتصاد روضه» است. در سال ۱۴۰۰ تصور می‌کردیم بزرگ‌ترین مانع مردم برای برگزاری روضه، چالش‌های مالی و عدم توانایی در پرداخت «صله» به روضه‌خوان است. به همین دلیل، اعزام مبلغان را با تبلیغات گسترده به عنوان «صلواتی، جهادی و کاملاً رایگان» معرفی کردیم. در آن سال، تنها ۱۲ درصد از مردم به مبلغان صله دادند.

وقتی این آمار را با افتخار خدمت حاج آقا حسین انصاریان ارائه کردیم تا دعای خیری بشنویم، ایشان به شدت واکنش نشان دادند و فرمودند: «نکنید این کار را! به سیدالشهدا خیانت نکنید!» استدلال ایشان این بود که سنت ۱۴۰۰ ساله روضه بر این اساس بوده که طلبه بدون چشم‌داشت می‌رفته، اما مردم بر اساس یک الزام درونی و برای برکت مالشان، به صورت داوطلبانه «صله» می‌دادند.

با درک این اشتباه، از سال ۱۴۰۱ تبلیغات «رایگان و صلواتی بودن» را متوقف کردیم. نتیجه شگفت‌انگیز بود: در ایام فاطمیه همان سال، با وجود اینکه گزارش‌ها نشان می‌داد ۸۰ درصد از مخاطبان ما وضعیت معیشتی «بد» یا «بسیار بد» دارند، اما ۸۰ درصد مردم به مبلغان صله دادند (با میانگین ۳۵۰ هزار تومان) و ۵۰ درصد از کل مخاطبان نیز در پرداخت صله مشارکت داشتند. این نشان داد که ما مردم را اشتباه شناخته بودیم.

همچنین، در نظرسنجی از ۵۰۰۰ میزبانی که سابقه پرداخت صله داشتند، پیشنهاد دادیم که پرداخت صله را از طریق درگاه آنلاین اپلیکیشن انجام دهند. ۶۷ درصد از آن‌ها با این طرح مخالفت کردند و صراحتاً گفتند: «جازه دهید پاکت بخریم، پول نقد تهیه کنیم و داخل پاکت بگذاریم؛ این حس را از ما نگیرید.» این یعنی حتی در یک پلتفرم مدرن، سنت‌ها را نمی‌توان به راحتی با فناوری جایگزین کرد.

چالش‌های تبلیغات و توسعه روضه خانگی

برای توسعه روضه‌های خانگی در عصر حاضر، نمی‌توان صرفاً به روش‌های تبلیغاتی مرسوم تکیه کرد. آمارهای ما در ثاقب این موضوع را ثابت می‌کند:

- رسانه ملی: در برنامه پرمخاطب «حسینیه معلی»، یکی از سلبریتی‌ها (آقای سید رضا نریمانی) مؤسسه ثاقب را معرفی کرد. ویدیوی این بخش در فضای مجازی در کمتر از ۴۸ ساعت ۵ میلیون بازدید داشت. اما از این تعداد، تنها ۳۰۰ نفر وارد سایت شدند و در نهایت فقط ۱۰ روضه ثبت شد!

- **تبلیغات محیطی:** با همکاری شهرداری اصفهان (به عنوان پایتخت روضه خانگی)، در ایام دهه آخر صفر در ۱۵۸ چهارراه اصفهان بنر تبلیغاتی نصب کردیم. نتیجه این تبلیغات گسترده، ثبت کمتر از ۵۰ روضه (حدود ۴۳ مورد) بود!
- **تبلیغات چهره‌به‌چهره (سنت کارآمد):** در مقابل، ۵۷ درصد از مخاطبان ما اعلام کرده‌اند که از طریق «دوستان و آشنایان» با ثاقب آشنا شده‌اند.
- **نقش بانوان:** از مجموع ۴۲ هزار نفر درخواست‌دهنده (بانی روضه)، ۳۶ هزار نفر (حدود ۶۶ درصد) بانوان هستند. این یعنی موتور محرک روضه‌های خانگی در خانه‌ها، بانوان محترم هستند.

تنوع اقلیمی و فرهنگی در روضه‌خوانی

نکته پایانی مسئله اقلیم است. روضه خانگی در فرهنگ‌های مختلف فرم‌های متفاوتی دارد. برای مثال، در روستاهای شمال کشور، ندورات خانگی را در سینی روی سر می‌گذارند و همه را به مسجد دعوت می‌کنند. در سیستان و بلوچستان، سنت جمع‌آوری پاکت برای روحانی آداب خاص خود را دارد که ممکن است یک طلبه اعزامی از قم را دچار سوء تفاهم کند. ما حق نداریم یک مدل روضه را در تهران یا قم تجربه کنیم و بخواهیم آن را در کل کشور به صورت یکسان تکثیر کنیم.

سخن آخر:

مؤسسه ثاقب امروز در جایگاه «روضه‌یاری» نشسته است و تلاش می‌کند فناوری را در خدمت انسان مدرنی قرار دهد که می‌خواهد در مسیر روضه گام بردارد. اما یافتن خطوط قرمز این مسیر، مانند همان دوگانه «درگاه پرداخت آنلاین» در برابر «پاکت سنتی»، نیازمند دقت، پژوهش و فهم عمیق است. از توجه شما سپاسگزارم و التماس دعا دارم.

حجت‌الاسلام دکتر عباس ابراهیمی؛ تحلیل سبک و محتوای فناوری بومی در آیین‌های عزاداری امام حسین (علیه السلام) در استان بوشهر

با نام و یاد خدا. مایه افتخار است که در مجموعه‌ای که خود دانش آموخته آن هستم، حضور یافته‌ام. امیدوارم با عنایت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) بتوانم در این مجال کوتاه، ظرفیت‌ها و نوآوری‌های نهفته در آیین عزاداری استان بوشهر را به نحو مطلوبی تبیین نمایم؛ هرچند تشریح کامل این نواها، اشعار و شور بی‌بدیل، نیازمند فرصتی فراخ‌تر و نمایش مستندات تصویری است.

پیشینه و اصالت عزاداری

عزاداری برای سیدالشهدا (ع) یک آیین مقطعی و محدود به زمان پس از شهادت ایشان نیست. روایات متعددی (از جمله مستندات کتاب «خصائص الحسینیة» اثر مرحوم شیخ جعفر شوشتری) گواه بر آن است که پیامبر اکرم (ص) و حتی انبیای الهی پیشین نیز بر مصائب آن حضرت گریسته‌اند. بنابراین، ما میراث‌دار آیینی هستیم که قدمتی به بلندی تاریخ حیات انسان بر کره خاکی دارد.

با نگاهی از منظر علوم انسانی معاصر به عزاداری‌های بومی، درمی‌یابیم که این مناسک به شکلی پویا توانسته‌اند «هویت»، «معنا» و «سبک زندگی» جوامع را شکل دهند.

عزاداری بوشهر به مثابه یک «فناوری نرم»

هنگامی که از واژه «فناوری» استفاده می‌کنیم، غالباً ابزارهای سخت و ماشین‌آلات در ذهن تداعی می‌شود؛ اما آیین عزاداری بوشهر در واقع یک «فناوری نرم» بسیار پیچیده و در عین حال برای مخاطبانش کاملاً قابل فهم است. این فناوری نرم دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است:

- **تکرار همراه با تعمیق:** برخلاف برخی هیأت‌های امروزی که برای جذب مخاطب به دنبال نوآوری‌های مداوم، خلق سبک‌های جدید یا استفاده از موسیقی‌های مدرن هستند، در عزاداری بوشهر (به‌ویژه منطقه دشتی) همان آیین‌های اصیل تکرار می‌شوند؛ اما این تکرار همواره با «تعمیق» همراه است و به شدت مورد استقبال جوانان قرار می‌گیرد.
- **انتقال سینه به سینه:** این فناوری در هیچ نهاد رسمی آموزش داده نمی‌شود، بلکه همانند فرهنگ موکب‌داری، نسل‌به‌نسل و سینه به سینه میان اعضای هیأت‌ها منتقل می‌گردد.
- **مصونیت در برابر ابتذال:** مدل آیینی بوشهر، خود یک راهکار عملی برای رفع دغدغه‌هایی است که مقام معظم رهبری در خصوص ورود ناهنجاری‌ها و انحرافات به عرصه مداحی مطرح کرده‌اند. در این آیین، شعرها تصادفی انتخاب نمی‌شوند و موسیقی تابع ذائقه متغیر اشخاص نیست؛ بلکه تمام اشعار با عمق معنایی بالا و منحصرأ برای اباعبدالله الحسین (ع) سروده شده و هیچ‌گونه تقلیدی از نواهای نامتعارف در آن راه ندارد.
- **توازن میان حماسه و حزن:** در این مراسم، بُعد حماسی و بُعد حزن‌انگیز هر کدام جایگاه ویژه و تفکیک‌شده‌ای دارند و اجرای اصیل آن‌ها، ارتباط روحی عمیقی با مخاطب برقرار می‌کند.

هندسه و ساختار عزاداری

آیین عزاداری بوشهر دارای نظم پنهان و ساختاری هدفمند است که در مراحل مختلف آن نمود پیدا می‌کند:

۱. **ساختار دوار و هدفمند سینه‌زنی:** در سینه‌زنی بوشهری، عزاداران در یک آرایش «دایره‌ای» قرار می‌گیرند. این حلقه‌ها کاملاً هدفمند شکل می‌گیرند:

- حلقه‌های بیرونی برای افراد تازه‌وارد یا کسانی است که توان جسمی کمتری دارند.
- هرچه افراد به «نقطه کانونی» (محل استقرار مداح) نزدیک‌تر می‌شوند، آزمون حضور دشوارتر و نیازمند تسلط و آمادگی بدنی و فکری بیشتری است.
- مدیران عزاداری، افراد را برای حضور در حلقه‌های درونی‌تر انتخاب می‌کنند. این ساختار، نمادی از مشارکت، برابری و رشد گام‌به‌گام است.

۲. **تفکیک نقش‌ها و مراحل:** در این آیین، مرز میان وظایف «منبری» و «مداح» کاملاً حفظ شده است و مراسم دارای مراحل دقیقی است:

- **ذکر:** آغازگر حرکت جمعی و آماده‌سازی فضا.
- **کتاب‌خوانی (مقتل‌خوانی):** خوانش مقتل همراه با هم‌نوایی حزن‌انگیز جمعیت.
- **نوحه پامنبری:** با سبک و جایگاهی کاملاً مجزا از سینه‌زنی.
- **منبر و روضه:** مرثیه‌خوانی دارای زمان‌بندی دقیق است؛ برای مثال، خطیب اجازه ندارد پیش از روز عاشورا به بیان لحظه شهادت بپردازد تا اوج مصیبت در زمان مقرر خود (ظهر عاشورا) درک شود و پس از آن با چرخش عزاداران در مجلس، حزن بازگشت ذوالجناح به تصویر کشیده شود.

دستاوردها و خروجی‌های این مکتب آیینی

این فناوری نرم، صرفاً یک رسم محلی نیست، بلکه انسان‌ساز است. خروجی این مکتب، پرورش حماسه‌آفرینانی چون «رئیس‌علی دلواری»، «خال حسین دشتی» و در دوران معاصر، شهید «نادر مهدوی» است؛ شخصیتی که با کمترین امکانات و برخاسته از دل همین فرهنگ، شجاعانه در برابر استکبار ایستاد.

در یک نگاه کلی، آیین عزاداری بوشهر منظومه‌ای از «بدن آیینی»، «دانش ضمنی»، «شعر اصیل» و «نظم پنهان مناسک» است. بازخوانی جدی و فهم عمیق این فناوری بومی، می‌تواند الگویی کارآمد برای محافظت از هیأت‌های مذهبی در برابر انفعال محتوایی باشد و این میراث ارزشمند تمدنی را به شکلی آگاهانه به نسل‌های آینده منتقل سازد.

حجت‌الاسلام دکتر علی اصغر اسلامی تنها؛ بازاندیشی روضه خانگی در الهیات مقاومت، فراروی از مصابره تا مرابطه

بسم الله الرحمن الرحيم.

ابتدا از تمامی دوستانی که این جلسه را شکل دادند تشکر می‌کنم. نکته‌ای که در نظر دارم بیان کنم، در همان آیه ۲۰۰ سوره آل عمران که جناب آقای آبروش تلاوت کردند، خلاصه می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».

در ارائه‌های اساتید بزرگوار، شاید کمتر به این نکته اشاره شد که موضوع این جلسه، صرفاً «روضه» به معنای عام آن نیست، بلکه محوریت با «روضه خانگی» است. از این رو، مفهوم محوری در اینجا «خانه» است و خانه از حیث مکانی که این آیین و اجتماع در آن رخ می‌دهد، باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.

۱. روضه خانگی به مثابه «مُصابره» (هم‌صبری)

با تلفیق تجربه تاریخی برگزاری روضه‌های خانگی و تجربه زیسته انسان ایرانی و شیعی، می‌توان دریافت که ما روضه خانگی را نوعی «هم‌صبری» فهمیده‌ایم. این همان مفهومی است که در گام دوم آیه شریفه با عبارت «وَصَابِرُوا» به آن اشاره شده است. واژه «مُصابره» از باب مفاعله است و برخلاف «صبر» که امری فردی به نظر می‌رسد، دلالت بر مشارکتی دوطرفه دارد؛ یعنی حداقل دو کنشگر در تحقق آن سهیم هستند.

اگر صبر را بر اساس نگاه مقام معظم رهبری در کتاب «گفتاری در باب صبر»، به معنای مقاومت در مسیر تکامل و ایستادگی در برابر انگیزه‌های شرآفرین و فسادآور بدانیم، «مُصابره» به معنای هم‌صبری است؛ یعنی زمانی که افراد در کنار یکدیگر مقاومت پیشه می‌کنند. تجمع این صبرهای فردی در کنار هم، در ادبیات قرآنی «مُصابره» نامیده می‌شود.

۲. بحران انسان مدرن: سکولار شدن خانه

برای بازاندیشی روضه خانگی در عصر کنونی، ابتدا باید وضعیت امروز «خانه» را بررسی کنیم. به اعتقاد بنده، مهم‌ترین تحول خانه در عصر ما، «سکولار شدن» آن است. خانم مری ایبرشتات (Mary Eberstadt) در کتاب خود با عنوان «غرب واقعاً چگونه خدا را از دست داد» (How the West Really Lost God)، تحلیل متفاوتی از فرآیند سکولاریزاسیون ارائه می‌دهد. او معتقد است غرب زمانی خدا را از دست داد که «خانواده» را از دست داد. ما معمولاً سکولاریزاسیون را صرفاً در عرصه سیاست و اجتماع درک می‌کنیم و توجه کمتری به سکولار شدن خانه داریم. پژوهش‌های ایشان به خوبی نشان می‌دهد که چگونه فروپاشی خانواده، ارکان زندگی الهی را در حیات انسان مدرن از هم گسست.

۳. گذار از «مُصابره» به «مُرابطه» (مرزداری هویتی)

با توجه به این فرآیند، روضه خانگی نیازمند بازاندیشی و بازطراحی جدی است. اگر بخواهیم با استناد به آیه ۲۰۰ سوره آل عمران، ارتقایی در فضای روضه‌ها ایجاد کنیم، باید از مرحله «مُصابره» عبور کرده و وارد مفهومی شویم که قرآن آن

را «**مُرابطه**» می‌نامد. همان‌طور که در عرصه سیاسی می‌گوییم جمهوری اسلامی از «صبر استراتژیک» خارج و وارد فاز «مرباطه استراتژیک» شده است، در اینجا نیز نیازمند چنین گذاری هستیم.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل همین آیه، حدود ۵۰ صفحه را به بحث «مرباطه اجتماعی» اختصاص داده‌اند. از منظر زبان‌شناختی، دو واژه «صبر» و «ربط» دارای «اشتقاق کبیر» هستند. با مطالعه این واژگان در کتب لغت (نظیر «معجم اشتقاقی» علامه حسن جلی)، درمی‌یابیم که چرا قرآن کریم پس از «صابرُوا»، از باب تفاعل استفاده نکرده و با تغییر ماده، واژه «رابطُوا» را به کار برده است.

«**مرباطه**»، نوعی هم‌پیوندی و حضور در مکان برای پاسداری است؛ از همین رو، یکی از مصداق‌های بارز آن «**مرزداری**» است. در روزگار کنونی، مرزهای تهاجم دیگر صرفاً جغرافیایی نیستند، بلکه هجوم اصلی به درون «خانه‌ها» کشیده شده است. بنابراین، باید روضه خانگی را به عنوان یک آیین مرزبانی و مرزداری بازاندیشی کنیم.

۴. زنان و رسالتِ مرباطه (الگوی مسجدالاقصی)

اگر از منظری میان‌فرهنگی به سایر پدیده‌های جهان اسلام نگاه کنیم، درمی‌یابیم که روضه خانگی ذاتاً با زنان گره خورده است؛ زیرا خانه محل زیست زن است. پدیده مشابهی امروز در **مسجدالاقصی** در جریان است. گروهی از زنان فلسطینی که خود را «**مُرابطات**» (زنانِ مرباط) می‌نامند، با حضور مستمر، پختن غذای مقلوبه، و حتی گلدوزی کردن طرح کتیبه‌های مسجد، در حال پاسداری از هویت اسلامی مسجدالاقصی هستند.

از دیگر اقدامات جالب این زنان، حمایت از کسب‌وکارهای اطراف مسجدالاقصی است. آن‌ها مردم را تشویق می‌کنند تا از مغازه‌داران کوچک اطراف مسجد خرید کنند تا اقتصاد این «مرباطانِ خط مقدم» تأمین شود. در یکی از مصاحبه‌ها، بانویی از همین گروه جمله تأمل‌برانگیزی گفت: «مجاهده و مقاتله وظیفه مردان است، اما **مُرابطه رسالت زنان است**».

۵. حفظ «حیا»؛ هدف غایی روضه‌های خانگی

مهم‌ترین عاملی که امروز خانه را تحت تأثیر قرار داده، تغییر ساختار آن به سمت فضاهای باز (اصطلاحاً **اُپن/ Open**) است. این تغییر معماری، نمادی از حذف مهم‌ترین عنصر ادبیات دینی، یعنی «**حیا**» از فضای خانه است. ویژگی اصلی انسان مدرن (یا به تعبیر بنده، انسان معطوف به تصویر)، حیازدایی است. جریان‌های مخرب و دکترین‌های شیطانی (لوسیفری) دقیقاً به دنبال همین حیازدایی هستند.

در تقابل با این جریان، روضه خانگی با محوریت خانه، باید «**مُرابطه حیا**» را رقم بزند. انسانِ مُرباط، و به‌طور خاص «زن» که هویتش با «حوا» (به معنای حیات) و بالطبع با «حیا» گره خورده است، نقشی کلیدی در این عرصه دارد. ما باید روضه‌ای برپا کنیم که در سرتاسر آن (از شعر و محتوا گرفته تا نوع کنشگری‌ها)، فضیلت حیا بازنمایی و بازتولید شود. تنها در این صورت است که چون مسیرِ صبر، مصابره و مرباطه در سایه تقوا قرار می‌گیرد، تحقق وعده الهی «**لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**» امکان‌پذیر خواهد شد. برای رسیدن به فلاح و رستگاری، نباید آیین‌های خود را صرفاً در سطح «مصابره» (هم‌صبری) متوقف کنیم، بلکه باید یک سطح بالاتر رفته و به مقام «مرباطه» (مرزداری هویتی) دست یابیم.

حجت‌الاسلام دکتر مجید مبینی؛ ادبیات اقناعی در هیأت‌های خانگی

بسم الله الرحمن الرحيم. و صلی الله علی محمد و آل بیتہ الطیبین و الطاهرین.

محور بحثی که خدمت شما بزرگواران ارائه می‌دهم و از نقد و نظراتتان پیرامون آن بهره‌مند خواهم شد، موضوع «اقناع در هیأت» است. پیش از ورود به بحث اصلی، دو نکته مقدماتی را عرض می‌کنم:

۱. تمایز اصطلاح «هیأت خانگی» و «روضه خانگی»

نخستین نکته پیرامون کاربرد کلمه «روضه خانگی» است؛ آیا ما باید از «هیأت خانگی» سخن بگوییم یا از «روضه خانگی»؟ به نظر می‌رسد در ترویج و بسط این مفاهیم در جامعه، اصطلاح «هیأت خانگی» رساتر و مناسب‌تر باشد. دلیل این امر آن است که اصطلاح «روضه خانگی» غالباً این تبادر ذهنی را ایجاد می‌کند که جلسه‌ای صرفاً برای دعوت از یک روضه‌خوان برگزار و سپس خاتمه می‌یابد. اما هنگامی که از کلمه «هیأت» استفاده می‌کنیم، طبیعتاً یک بخش مهم آن به سخنرانی اختصاص می‌یابد و مباحثی که یک عالم دینی مطرح می‌کند، در کنار بخش مرثیه و روضه قرار می‌گیرد. البته این موضوع نیازمند گفتگوی تفصیلی‌تری است.

۲. ضرورت آسیب‌شناسی روضه‌های خانگی

نکته پیشینی دیگر، بحث «آسیب‌شناسی» روضه‌های خانگی است. اگرچه عنوان انتخاب‌شده برای این نشست، پیش‌فرض را بر مثبت بودن این جریان قرار داده است، اما شایسته است در چنین نشست‌هایی، ابعاد و آسیب‌های احتمالی آن نیز بررسی شود تا مبادا با ترویج یک‌جانبه‌ی این فرهنگ در جامعه، در آینده با چالش‌هایی مواجه شویم. تجربیات متعددی وجود دارد که در ابتدا مثبت به نظر می‌رسیدند، اما در نهایت نتایج مطلوبی به همراه نداشتند. به عنوان مثال:

- **چالش‌های محتوایی:** در روضه‌های خانگی معمولاً میزبان اشراف کاملی بر سطح علمی روضه‌خوان یا سخنران ندارد. در نتیجه، ممکن است افرادی با سطح علمی پایین‌تر دعوت شوند که این امر، احتمال طرح مباحث انحرافی یا اشتباه را افزایش می‌دهد؛ اتفاقی که در روضه‌های عمومی و علنی به ندرت رخ می‌دهد.
- **کمرنگ شدن روضه‌های عمومی و مساجد:** آیا گسترش روضه‌های خانگی موجب کمرنگ شدن روضه‌های عمومی، نظیر روضه‌های هفتگی مساجد محلات نمی‌شود؟ آیا تعدد روضه‌های خانگی در یک محله، اشتیاق افراد برای حضور در مسجد و بهره‌مندی از کارکردهای اجتماعی و هم‌بستگی محله‌ای آن را کاهش نمی‌دهد؟

لذا باید بررسی کرد که چگونه می‌توان یک مدل ترکیبی ایجاد کرد تا در عین حفظ روضه‌های خانگی، روضه‌های مساجد نیز با قوت خود باقی بمانند. فرهنگ‌سازی در این زمینه باید با در نظر گرفتن این تهدیدها و چالش‌ها پیش برود.

اهمیت اقناع در فعالیت‌های دینی

اما مدعای اصلی بحث ما این است که: **هیأت‌های خانگی ظرفیت اقناع‌کنندگی بیشتری نسبت به هیأت‌های عمومی دارند.** پیش از پرداختن به این مدعا، باید به اهمیت خود مسئله اقناع اشاره کنیم. متأسفانه بسیاری از برنامه‌های دینی ما در نهایت به اقناع مخاطب منتهی نمی‌شوند. در این خصوص، به دو فرمایش از مقام معظم رهبری استناد می‌کنم:

۱. ایشان می‌فرمایند: «در اسلام اقناع داریم. معنای این **لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ** هم که در قرآن هست این است؛ یعنی تفکر دینی را جز با اقناع نمی‌شود منتقل کرد.» به عبارتی، در هر برنامه دینی، اصل اقناع باید در دستور کار قرار گیرد.

۲. ایشان در پیام به همایش «یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم» (اردیبهشت ۱۴۰۲)، مستقیماً حوزویان و طلاب را مخاطب قرار داده و می‌فرمایند: «رساندن پیامی که به‌روز و پرکننده خلأ و برآورنده هدف دین باشد، حتماً نیازمند آموزش و فراگیری‌ست و باید با **روش‌های اقناع قوی**، آشنایی با شیوه گفتگو، آگاهی از نوع تعامل با افکار عمومی... به طلبه آموزش داده و با تمرین و ممارست، او آماده ورود به این میدان شود.»

ارکان اقناع و انطباق آن با ساختار هیأت

تکنیک‌های اقناع را می‌توان به دو بخش اصلی تقسیم کرد:

۱. بخشی که به «**عقل و اندیشه**» انسان بازمی‌گردد.

۲. بخشی که به «**عاطفه و احساس**» انسان مرتبط است.

بسیار جالب است که نهاد «هیأت» به شکلی دقیق، دربردارنده هر دو رکن است. در یک فرآیند ارتباطی، کمتر قالبی را می‌یابیم که هر دو بُعد را هم‌زمان پوشش دهد؛ اما هیأت به واسطه بخش **سخنرانی** (تغذیه‌کننده اندیشه) و بخش **مداحی و مرثیه‌سرایی** (درگیرکننده عاطفه و احساس)، این دو رکن اقناعی را به خوبی در خود جای داده است.

هم‌افزایی ارکان در هیأت:

اگر این دو رکن با یکدیگر همسو شوند، اقناع به مطلوب‌ترین شکل ممکن محقق خواهد شد. همسویی به این معناست که سخنران و مداح هماهنگ باشند و به یک موضوع واحد پردازند. مثلاً اگر سخنران درباره اهمیت «حق الناس» صحبت می‌کند، مداح نیز مرثیه‌ای متناسب با همین مفهوم (مانند پرداخت هزینه زمین کربلا توسط امام حسین (ع) یا تذکر ایشان به یاران درباره حق الناس) بخواند.

متأسفانه این هماهنگی در بسیاری از هیأت‌ها جدی گرفته نمی‌شود. با این حال، اساتیدی نظیر **استاد پناهیان** از محدود سخنرانانی هستند که این پیوند را به خوبی برقرار می‌کنند؛ به گونه‌ای که مخاطب متوجه تغییر فضای اندیشه به روضه نمی‌شود و این امر، تأثیرگذاری کلام ایشان را دوچندان می‌کند.

بررسی فنون اقناع؛ چرا هیأت خانگی موفق‌تر است؟

با مرور فنون اقناع (که در برخی منابع تا ۴۰ فن نیز احصاء شده است)، می‌توان برتری هیأت‌های خانگی را نسبت به هیأت‌های عمومی دریافت. به اقتضای زمان، به سه مورد از این فنون اشاره می‌کنم:

۱. اعتبار منبع (Source Credibility / Ethos)

هرچه فرستنده پیام نزد مخاطب معتبرتر و قابل اعتمادتر باشد، میزان اثرپذیری افزایش می‌یابد. در هیأت‌های عمومی، مخاطبان معمولاً شناخت دقیقی از سخنران (مگر افراد بسیار مشهور) ندارند. اما در هیأت‌های خانگی، سخنران دعوت شده معمولاً مورد تأیید و اعتماد تمام افراد آن جمع محدود است. در صورت عدم مقبولیت، طبیعتاً آن سخنران برای جلسات بعدی دعوت نخواهد شد. از این رو، پیام‌های دینی از سوی منبعی کاملاً معتبر به مخاطب منتقل می‌شود.

۲. ایجاد حس خوب

دریافت پیام در یک بستر عاطفی مثبت، اثرگذاری آن را به شدت افزایش می‌دهد (فنی که در تبلیغات رسانه‌ای نیز بسیار کاربرد دارد). در هیأت‌های خانگی، به دلیل وجود روابط دوستی و خویشاوندی، فضایی بسیار صمیمی‌تر از مساجد یا اماکن عمومی حاکم است. این حس امنیت و صمیمیت، به‌ویژه برای مخاطبان کم‌سن‌وسال‌تر مانند نوجوانان که در میان اقوام و دوستان خود حضور دارند، بسیار قوی‌تر است و بستر مناسبی برای اقناع فراهم می‌کند.

۳. ساده‌گویی

ساده سخن گفتن، خود یکی از تکنیک‌های مهم اقناعی است؛ همان‌طور که در سیره حضرت امام خمینی (ره) یا شهید مطهری می‌بینیم که عمیق‌ترین مباحث فلسفی و فقهی را با زبانی همه‌فهم بیان می‌کردند. در هیأت‌های خانگی، به اقتضای فضای صمیمی و دورهمی و حضور مخاطبانی با سطوح مختلف (از جمله نوجوانان)، سخنران معمولاً از طرح مباحث ثقیل و پیچیده پرهیز کرده و مفاهیم را با زبانی ساده و روان ارائه می‌دهد که این امر مستقیماً به اقناع مخاطب می‌انجامد. در پایان، هدف از طرح این مباحث، نگاه به هیأت‌های خانگی از منظر «اقناع» (مورد تأکید مقام معظم رهبری) و مقایسه نقاط قوت و ضعف آن با هیأت‌های عمومی بود. از توجه شما سپاسگزارم.

بخش پرسش و پاسخ

مجری:

بسیار ممنونیم. آیا شما این فنون و تکنیک‌های اقناع را به طور کامل احصاء و با ظرفیت‌های هیأت تطبیق داده‌اید؟

حجت‌الاسلام مبینی:

من تاکنون پژوهشی ندیده‌ام که به طور مشخص، تمام این فنون (مثلاً ۴۰ تکنیک) را دانه به دانه با فضای هیأت تطبیق داده باشد. البته همایش شما مقدمه‌ای شد تا دست به قلم شوم و نگارش چنین متنی را آغاز کنم. بدیهی است که برخی از این فنون، نظیر «پیام دوسویه»، میان هیأت خانگی و عمومی مشترک هستند و استفاده از آن‌ها در هر فضایی به اقناع منجر می‌شود.

مجری:

آیا لزومی دارد که ما لزوماً هیأت عمومی را به عنوان «دیگری» هیأت خانگی در نظر بگیریم و این دو را مقایسه کنیم؟ آیا بهتر نیست قابلیت‌های اقناعی را مستقلاً بررسی کنیم و بگوییم فارغ از اشتراکات، هیأت خانگی از جامعیت بالایی در پوشش دادن این مؤلفه‌ها برخوردار است؟ تا همین جا شما به چند مورد اشاره فرمودید که در هیأت خانگی پررنگ‌تر است.

حجت‌الاسلام مبینی:

این رویکرد نیز امکان‌پذیر است، اما بیان نقاط تمایز و مقایسه آن‌ها، نشان‌دهنده مزیت‌ها و نقاط قوت بیشتر هیأت خانگی است. اگر صرفاً به بیان اشتراکات پردازیم، ممکن است این پرسش پیش بیاید که پس مزیت اختصاصی هیأت خانگی چیست.

مجری:

ما دو درخواست از شما داریم؛ نخست آنکه در جلسه‌ای تفصیلی میزبان شما باشیم تا این مباحث بسط داده شود. دوم آنکه امیدواریم مکتوب این پژوهش هرچه سریع‌تر آماده شود تا در اختیار مخاطبان قرار گیرد.

در تأیید فرمایش شما پیرامون «همراهی سخنران و مداح»، خاطره‌ای را عرض می‌کنم. در گذشته، این هماهنگی را در جلسات حجت‌الاسلام پناهیان و مداحی حاج احمد آقا در حسینیه حضرت زینب (س) می‌دیدیم؛ تا جایی که بین بچه‌های هیأتی به «دوقلوها» معروف شده بودند! ما تصور می‌کردیم آن‌ها جلسات شورای اندیشه‌ورزی متعددی دارند تا اشعار با سخنرانی تطبیق داده شود. اما سال‌ها بعد که از حاج احمد آقا در این باره پرسیدم، ایشان گفتند: «من زودتر می‌آمدم و در حین سخنرانی حاج آقا در آبدارخانه می‌نشستم، صحبت‌ها را گوش می‌دادم و همان‌جا ردیف و قافیه‌ی اشعار را متناسب با محتوای سخنرانی به‌روز می‌کردم تا موضوع در اشعار اشراب شود.»

امروزه ما در برخی هیأت‌ها شاهد یک «نظام هارمونیک محتوایی» هستیم؛ به این معنا که موضوع محوری هیأت، نه تنها در سخنرانی و مداحی، بلکه در دکور، فضاسازی، وصیت‌نامه‌ی شهدای ارائه‌شده و حتی کتاب‌هایی که در حاشیه جلسه معرفی می‌شوند، بازتاب می‌یابد. قطعاً این الگوهای عملی می‌تواند در تکمیل مطالعات اقناعی شما بسیار راهگشا باشد. خیلی لطف کردید.

حجت‌الاسلام مبینی:

بله، ان شاء الله. بنده هم از شما و همه بزرگواران سپاسگزارم. چنانچه نقد و نظری باشد، حتماً استفاده خواهم کرد.

حجت‌الاسلام دکتر محمدعلی رنجبر؛ از مجلس روضه تا میدان کنش: شاه آبادی و مهندسی مقاومت در مقیاس خرد

مقدمه و طرح بحث

بسم الله الرحمن الرحيم. ضمن عرض سلام و تشکر از دست‌اندرکاران برگزاری این نشست فاخر، بحث امروز پیرامون موضوع «از مجلس روضه تا میدان کنش» ارائه خواهد شد.

هدف اصلی این گفتار، بررسی ابتکار و طراحی استراتژیک مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی در زمینه «مهندسی مقاومت» است. ایشان این مهندسی را در مقیاس خرد و محلی آغاز کردند؛ مسیری که در ادامه توسط امام راحل (ره) در مقیاس ملی، و توسط مقام معظم رهبری در مقیاس منطقه‌ای و جهانی امتداد یافت. آیت‌الله شاه‌آبادی به عنوان یک استراتژیست، با آسیب‌شناسی دقیق از وضعیت موجود، به مطلوب‌نگاری و نقشه‌نویسی برای گذار از این وضعیت دست زدند و از ظرفیت روضه‌های خانگی و هیأت‌های کوچک برای انتقال سینه به سینه این مفاهیم بهره بردند؛ تا جایی که در محله شاه‌آباد، نوعی «دولت در دولت» تشکیل دادند.

آسیب‌شناسی جامعه اسلامی و تبدیل روضه به «مدرسه پنهان»

مرحوم شاه‌آبادی در کتاب «شذرات المعارف»، با بهره‌گیری هوشمندانه از بینش‌های جامعه‌شناختی، اقتصادی و سیاسی، الگویی نوین ارائه می‌دهند که در آن، مجلس روضه به یک «مدرسه پنهان» تبدیل می‌شود. ایشان معتقدند شمارش صرف دردهای جامعه اسلامی هنر نیست، بلکه باید مانند یک پزشک حاذق، ریشه دردها یا «امراض رئیسه» را شناسایی و درمان کرد. از دیدگاه ایشان، مهم‌ترین امراض جامعه اسلامی عبارتند از:

- ۱. **غرور به حقانیت:** این تصور اشتباه در میان شیعیان که «چون ما بر حق هستیم، خداوند خود حق ما را می‌ستاند» باعث شده تا میدان کنش‌گری به دشمن واگذار شود و فریضه امر به معروف و نهی از منکر و تشکیل هسته‌های مقاومت به حاشیه برود.
- ۲. **غرور به شفاعت:** تقلیل دادن منبر و روضه به ابزاری صرفاً برای بخشش گناهان و کسب شفاعت، بدون ایجاد تحرک. ایشان تأکید می‌کنند که قرآن با اسلام انفرادی میانه‌ای ندارد و آیه شریفه **«قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»** نشان می‌دهد که ما در برابر منکرات در سراسر عالم مسئولیم.
- ۳. **یأس و ناامیدی:** پس از عبور از غرور، جامعه ممکن است دچار ناامیدی شود و تصور کند که توانایی تغییر یا اجازه شرعی برای مبارزه را ندارد.
- ۴. **افتراق و تفرقه:** احساس ناتوانی، زمینه را برای طمع دشمن، نفوذ و ایجاد درگیری‌های داخلی فراهم می‌کند.
- ۵. **فقدان بیت‌المال:** (عدم استقلال مالی و اقتصادی در مسیر اهداف اسلامی).
- ۶. **علة‌العلل (شناختن مرام اسلام):** ریشه تمام این آسیب‌ها، درک نادرست از جهت‌گیری اسلام و سنت‌های الهی است. این تصور که باید منفعلانه در انتظار ظهور یک منجی نشست تا با معجزه همه چیز را اصلاح کند، با آیات قرآن و سنت الهی **«أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأُمُورَ إِلَّا بِسَبَابِهَا»** در تضاد است.

ترسیم وضعیت مطلوب و راهبرد گذار سه‌لایه

مرحوم شاه‌آبادی پس از آسیب‌شناسی، وضعیت مطلوب را تحت عنوان «**ناحیه مقدسه اسلام**» معرفی می‌کند؛ دولتی مقتدر و پیشران تمدن اسلامی که در رأس آن، امام معصوم یا فقیه جامع‌الشرايط قرار دارد. برای رسیدن به این مطلوب، ایشان یک ساختار نیروی انسانی سه‌لایه را طراحی می‌کنند:

۱. **لایه نظری (مجتهد جامع‌الشرايط):** تئوریسین و طراح مسیر برون‌رفت از وضعیت فعلی.

۲. **لایه گفتمانی (دُعَات):** شاگردانی که تئوری‌ها را از حصار کتابخانه‌ها خارج کرده و از طریق مجالس و روضه‌ها، آن را به گفتمان غالب کنشگران اجتماعی تبدیل می‌کنند.

۳. **لایه عملیاتی (حُمَات):** قاطبه امت اسلامی که مجری و حامی این طرح در میدان عمل هستند.

نتیجه‌گیری: از تحول ادراکی تا کنش اجتماعی کلان

با اجرای این الگو، مجالس روضه کارکردی بی‌بدیل پیدا می‌کنند. این مجالس به کارخانه‌ای برای «**تحول ادراک**»، «**تولید اراده**» و «**ساخت هویت جمعی**» تبدیل می‌شوند که سرانجام آن، یک «**کنش اجتماعی کلان**» است. حضرت امام (ره) محصول همین مکتب تربیتی بودند که توانستند نظریه ولایت فقیه را از لایه نظری، توسط شاگردانشان به گفتمان عمومی تبدیل کرده و در نهایت انقلاب اسلامی را در سطح ملی رقم بزنند. امروز نیز رسالت ما این است که با درک جایگاه تاریخی خود، شور و گریه مجالس اهل‌بیت (ع) را به بستری برای تولید اراده و کنشگری فعالانه اجتماعی ارتقا دهیم.

بخش پایانی: اظهارات مجری و برگزارکنندگان

نماینده حلقه هیأت و دفتر تبلیغات اسلامی: ضمن تشکر از الگوپردازی دقیق و کاربردی جناب آقای دکتر رنجبر، شکل‌گیری «حلقه هیأت» مصادف شد با سومین دوره «همایش علمی هیأت و آیین‌های مذهبی» در دانشگاه امام صادق (ع). به همین منظور، تصمیم گرفتیم این جلسات را به عنوان پیش‌نشست‌های این همایش ملی برگزار کنیم. استقبال چشمگیر و لبیک اساتید به این دغدغه، نشان‌دهنده ظرفیت بکر علمی این حوزه و لبیک به مطالبات مقام رهبری از مجامع حوزوی و دانشگاهی است. دفتر تبلیغات اسلامی (در سطح ریاست و معاونت راهبردی) با تمام ظرفیت‌ها و زیرمجموعه‌های خود، آماده حمایت همه‌جانبه از تداوم این مسیر علمی و پژوهشی خواهد بود.

حجت‌الاسلام مهدی صرامی؛ جایگاه جلسات خانگی در چرخه نصرت در نظام ولایت شیعه

با استعانت از پروردگار و صلوات بر محمد و آل محمد (ص) و حضرت فاطمه زهرا (س)، و با دعای خیر برای تعجیل در فرج حضرت صاحب‌الزمان (عج)، بحث را آغاز می‌کنیم. امید است این نشست پرخبر و برکت و مرضی رضای حضرت حجت (عج) واقع شود.

۱. ولایت؛ چارچوب بنیادین تعاملات اجتماعی

اندیشه شیعه نسبت به نظام تمدنی و ساختار اجتماعی خود بی‌تفاوت و رها نیست. در این مکتب، برای ساختارهای اجتماعی تعاریف منسجمی مبتنی بر «نظام ولایت» وجود دارد؛ نظامی که ساختارها را چارچوب‌مند کرده و تمامی کنش‌ها را درون آن‌ها منضبط می‌سازد. این تمدن، مبتنی بر حاکمیت و ولایت خداوند متعال در تمام سطوح تصمیم‌گیری بشر است و غایت آن «رشد» انسان است. به محض اینکه انسان از حیات فردی خویش فراتر رفته و نخستین هسته‌های ارتباطات اجتماعی را بنا می‌نهد، دستگاه ولایت برای آن روابط، تکلیف و ساختار مشخصی تعریف می‌کند.

۲. اتمام حجت الهی در هدایت روابط انسانی

خداوند متعال چگونگی، جهت و هدف ارتباطات انسانی را مشخص کرده است. بر اساس آیه شریفه «لَنَلَّا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ»، خداوند صحنه را به گونه‌ای مدیریت کرده که حجت بر انسان تمام شود. اگرچه در تکوین، اختیار به انسان داده شده («لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»)، اما مسیر هدایت و گمراهی نیز برای او کاملاً تبیین گشته است («قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»). بنابراین، هرگونه تعاملی در جامعه باید در چارچوب نظام ولایت صورت پذیرد؛ چرا که «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» و هرگونه جهت‌دهی غیرالهی در این عرصه، شرک به شمار می‌آید.

۳. تفاوت «دار» و «بیت» در تشکیل خانواده

هنگامی که زن و مرد نخستین هسته اجتماع بشری را شکل می‌دهند، پایه‌گذاری این خانواده باید در چارچوب نظام ولایت باشد. در ادبیات دینی، میان کلمه «دار» (به معنای عام خانه فیزیکی که هر کسی می‌تواند در آن ساکن باشد) و «بیت» تفاوت ماهوی وجود دارد. «بیت» ساختاری سازمان‌یافته با روابطی تعریف‌شده در دستگاه ولایت است. به همین دلیل، در قرآن کریم تنها برای انبیایی از واژه «بیت» استفاده شده که این سازوکار ولایی در خانواده آن‌ها محقق شده بود.

۴. خانواده به مثابه «قیام مثنی» برای نصرت امام زمان (عج)

جلساتی که در بستر «بیت» شکل می‌گیرند، از نخستین هسته‌های نظام ولایت در اندیشه شیعه به شمار می‌آیند. رسالت اصلی این مجالس، ادای بزرگ‌ترین فریضه الهی یعنی «نصرت ولی‌الله الاعظم» است. انسان با تشکیل خانواده، از سطح نصرت فردی خارج شده و وارد نصرت عام می‌شود که نخستین لایه آن، صیانت از خانواده در برابر انحرافات است («قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا»).

ازدواج در مکتب شیعه در واقع یک «قیام مثنی» (قیام دونفره) است. غایت تشکیل خانواده این است که زوجین به عنوان بهترین یاور یکدیگر در طاعت الهی («نعم العون فی طاعة الله»)، هسته اولیه یاری حضرت حجت (عج) را بنا نهند؛ چرا که تجمع اراده‌ها، ضریب اثرگذاری و قدرت انسان را به شکل تصاعدی افزایش می‌دهد.

۵. جلسات خانگی؛ تاب‌آورترین سبک نظام اسلامی

هنگامی که این اجتماع مبتنی بر ولایت از سطح خانواده فراتر رفته و مصداق «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» می‌شود، پدیده‌ای به نام «جلسات خانگی» شکل می‌گیرد. این مجالس، خردترین و در عین حال تاب‌آورترین مقیاس حاکمیت نظام اسلامی هستند. تاریخ نشان داده است که حتی در صورت تعطیلی نهادهای رسمی—چه در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس، چه در دوران پهلوی و چه در زمان محدودیت‌های کرونایی—مجالس روضه خانگی همواره پابرجا مانده‌اند.

۶. پیوند مجالس ذکر با حاجات ولی‌عصر (عج)

بنیان عظیم ولایت بر پایه آیاتی چون «اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا» استوار است؛ مؤمنان باید فردی استقامت کنند، با یکدیگر سازگاری اجتماعی داشته باشند و ارتباطات تشکیلاتی خود را محکم کنند («وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا»). جلسات خانگی تنها زمانی به غایت خود می‌رسند که نسبتشان با برآوردن نیازها و حاجات امام زمان (عج) تعریف شود. برگزاری جلساتی پراکنده که صرفاً به ذکر اهل‌بیت (ع) بپردازند اما خود را در مجرای نصرت ولی‌عصر (عج) تعریف نکنند، ماهیت اصیل نظام ولایت را محقق نکرده‌اند.

نتیجه‌گیری

این جلسات به دلیل ویژگی‌هایی نظیر خودبقایی و خودتکثیری، به عنوان سلول‌های بنیادین ساخت «امت ناصر» عمل می‌کنند. ظهوری رخ نخواهد داد مگر با تحقق این جامعه‌ی‌آور؛ همان‌گونه که امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ». ما موظفیم با تقویت این مجالس، حجت را بر حضرت بقیه‌الله (عج) تمام کنیم.

(بخش پایانی: تشکر مجری) در پایان، مجری برنامه ضمن تشکر از حجت‌الاسلام صرامی بابت ارائه این ایده بنیادین، یادآور شد که تفصیل این مباحث در قالب کتاب «درآمدی بر گفتمان نصرت» (گفتمان و شبکه نصرت حضرت حجت) توسط مجموعه مشعر به چاپ رسیده و در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

حجت‌الاسلام دکتر محسن الویری؛ تاریخ اجتماعی دین عامیانه؛ نگاهی به کارکردها و کژکارکردهای روضه خانگی در تاریخ معاصر ایران

مقدمه و طرح بحث

بسم الله الرحمن الرحيم. با آرزوی بهره‌مندی از برکات ماه شعبان، مغفرت الهی و شکرگزاری به درگاه خداوند بابت حماسه پرشور ۲۲ بهمن، از برگزارکنندگان این نشست سپاسگزارم. همچنین از جناب آقای دکتر شریعتی، مبدع این جلسات که اشاره کردند این نشست عمدتاً به بیان اصل ایده اختصاص دارد و مباحث تفصیلی به مجال دیگر موکول می‌شود، تشکر می‌کنم. هدف اصلی بنده در این جلسه، ارائه یک «طرح‌واره» پیشنهادی در خصوص تاریخ اجتماعی دین عامیانه است و تمام عرایض معطوف به تبیین این طرح‌واره خواهد بود.

مفهوم‌شناسی «دین عامیانه»

یکی از مقولات مهم در مطالعات فرهنگی، «دین عامیانه» است. تک‌نگاری آقای دکتر ابراهیم موسی‌پور (که شامل گردآوری و ترجمه مقالاتی در این باره است) احتمالاً یکی از معدود اسناد متمرکز ما درباره این مفهوم به شمار می‌رود. برای دین عامیانه تعاریف متعددی مانند «دین مردم در برابر دین عالمان»، «دین عمومی در برابر دین رسمی» و «دین توده‌ها در برابر دین فرهیختگان» ارائه شده است.

اما تعریفی که بنده در اینجا و همچنین در کتاب «تاریخ اجتماعی شیعیان» مبنا قرار داده‌ام، این است: دین عامیانه نوعی از دین‌داری رایج در میان توده مردم است که اگرچه خاستگاه دینی دارد، اما الزاماً از ضوابط و معیارهای رسمی تبیین‌شده توسط عالمان دینی تبعیت نمی‌کند.

در این نوع دین‌داری، مردم می‌کوشند آموزه‌های دینی را پیاده کنند و قصد مخالفت با عالمان را ندارند؛ اما در مقام عمل، رفتار آن‌ها به شدت متأثر از عادات، خلق‌وخو، باورهای محلی، علایق و پیوندهای خونی، نژادی و صنفی است. نمونه بارز این تفاوت را می‌توان در رفتار مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی با دسته‌های عزاداری یا نهی مقام معظم رهبری از قمه‌زنی مشاهده کرد که نشان‌دهنده فاصله میان دین رسمی و دین عامیانه در عرصه عمل است. بسیاری از رفتارهای رایج در دین عامیانه (مانند گره زدن پارچه به درخت) مستند شرعی، روایی یا فقهی قطعی ندارند. این پدیده مختص اسلام نیست و در سایر ادیان نظیر بوداییسم، یهودیت و مسیحیت نیز مورد توجه دین‌شناسان اجتماعی قرار گرفته است.

رویکرد علمی و تبارشناسی پژوهش

برای بررسی این پدیده، تعیین یک «تبار علمی» ضروری است. پدیده دین عامیانه را می‌توان از منظر جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، انسان‌شناسی فرهنگی یا علوم ارتباطات بررسی کرد. تعیین این منظر، چارچوبی مشخص برای داوری درباره ادعاها فراهم می‌آورد. بنده به عنوان یک پژوهشگر تاریخ، این موضوع را مشخصاً از منظر «تاریخ اجتماعی» بررسی می‌کنم.

روضه‌های خانگی: کانون دین عامیانه

در این پژوهش، «**روضه خانگی**» به عنوان یکی از مصادیق، کانون‌ها و محمل‌های دین عامیانه در نظر گرفته شده است که برای برگزاری انواع مراسم دینی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مراسم صرفاً به روضه‌خوانی محدود نمی‌شوند و شامل موارد زیر هستند:

- **مناسبت‌های مذهبی:** مانند عزاداری سیدالشهدا (ع).
 - **تعظیم شعائر:** برگزاری روضه‌های هفتگی ثابت بدون مناسبت خاص.
 - **مراسم گذار (Rites of Passage):** مراسمی که توده مردم در سه مرحله مهم زندگی یعنی تولد (آداب فرزندآوری)، ازدواج (مقدمات و مؤخرات آن) و مرگ (مراسم خاکسپاری و ترحیم) برگزار می‌کنند.
- از منظر تاریخی، بخش روضه‌خوانی این مجالس پیوند عمیقی با پدیده «**قُصَّاص**» (قصه‌گویان) در تاریخ تمدن اسلامی دارد.
- قُصَّاص کسانی بودند که تاریخ، اخبار پیامبر (ص) یا غزوات را برای تحریک شجاعت سپاهیان یا عموم مردم بیان می‌کردند، اما روایاتشان الزاماً مستند نبود. ردپای این شیوه انتقال مفاهیم، امروزه در «**پرده‌خوانی**» و «**نقالی**» نیز دیده می‌شود.

تحولات تاریخی و عوامل مؤثر (از عصر صفوی تا کنون)

- برای درک صحیح جایگاه روضه خانگی در تاریخ معاصر ایران، نمی‌توان از تحولاتی که از عصر صفویه تا کنون رخ داده است، چشم‌پوشی کرد. مهم‌ترین حوادث و مؤلفه‌های اثرگذار بر هویت و کارکردهای روضه خانگی عبارتند از:
- گسترش بی‌سابقه مراسم و مناسک شیعی.
 - افزایش نقش اجتماعی و اقتصادی زنان (مانند وقف اموال و مهریه برای ساخت مساجد، مدارس و کاروانسراها).
 - پیدایش و نوزایی جریان **اخبار‌گری** در ایران.
 - رواج **شبه‌علم**، خرافات، جادو، طلسمات و **کرامت‌سازی**.
 - پیوند خوردن تصوف توده‌ای و عامیانه با اندیشه شیعی (مانند پیدایش دراویش نعمت‌اللهی).
 - پیدایش حکومت‌های مناسک‌گرا در عصر قاجار و پیوند عالمان شیعه با دربار.
 - ظهور گرایش‌های روشنفکری و همچنین تفکرات وهابی در عصر پهلوی که موجب واکنش دفاعی مردم برای حفظ دینشان شد.
 - تغییرات سبک زندگی، نظیر تبدیل خانه‌های بزرگ به آپارتمان‌های کوچک و همچنین محدودیت‌های ایجادشده برای برگزاری **تعزیه** در دوره پهلوی (که منجر به اجرای تعزیه‌های نشسته و خانگی شد).
 - ورود تکنولوژی‌هایی نظیر بلندگو و دستگاه ضبط صدا به منازل.

خوشبختانه اسناد قابل توجهی از این سیر تحول باقی مانده است. به عنوان مثال، در پژوهش ارزشمند آقای **محسن حسام مظاهری** («مجالس مذهبی در ایران»)، با بررسی روزنامه اطلاعات از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۹، اسنادی از اطلاعیه‌های

برگزاری روضه‌های خانگی (حتی اطلاعیه‌های مجزای مردانه و زنانه برای یک خانه) استخراج شده است که بررسی آن‌ها برای پژوهشگران این حوزه ضروری است.

کارکردها و کج کارکردهای روضه خانگی

همان‌طور که اشاره شد، مجالس خانگی صرفاً محدود به انتقال مفاهیم دینی نبودند و ابعاد متعددی داشتند:

کارکردهای مثبت:

- **وجه اجتماعی:** فراهم آوردن بستری برای حضور اجتماعی، دیده‌شدن و شبکه‌سازی بانوانی که در گذشته امکان حضور گسترده در جامعه را نداشتند. این مجالس محلی برای تبادل تجویزهای خانگی، همسرگزینی و تبدیل شدن به یک «پاتوق» برای گفتگو بود.
- **وجه اقتصادی:** شکل‌گیری صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی و جمع‌آوری نذورات.
- **وجه سیاسی:** ایجاد پوشش و بهانه‌ای برای اجتماعات و گفتگوهای سیاسی، به‌ویژه در دوران محدودیت‌های عصر پهلوی.
- **وجه فرهنگی و نمادین:** هویت‌بخشی و تقدس‌دادن به خوراکی‌ها و نشانه‌ها (مانند چای روضه یا قند تبرکی برای شفای بیماران).

کج کارکردها (آسیب‌ها):

در کنار این کارکردهای ارزنده، روضه‌های خانگی آسیب‌هایی نیز در پی داشته‌اند. مهم‌ترین این کج کارکردها، فراهم کردن زمینه برای ترویج شبه‌علم، خرافات، خواب‌گزاری، جادو، دعانویسی و فال‌بینی است. در متون تاریخی و ادبی نیز به این آسیب‌ها اشاره شده است؛ از جمله کتاب طنز و انتقادی «کلثوم ننه» نوشته آقا جمال خوانساری در عصر صفویه (که در آن فتاوی خرافی زنان عوام به استهزاء گرفته شده است) یا در دوران معاصر، در فیلم «سنتوری» (اثر داریوش مهرجویی)، که در آن فقدان یک «قلم» در مجلس زنانه روضه، نمادی از نبود تفکر علمی و جدی در این گونه محافل است. اگر این هیجانات و خلیقات توده‌ای به‌درستی توسط متولیان امر مدیریت نشود، می‌تواند پتانسیل سازنده تشیع را به دینی تخریب‌کننده و منفعل تقلیل دهد.

توصیه‌های راهبردی در سیاست‌گذاری فرهنگی

در پایان، به عنوان یک پژوهشگر تاریخ، به کسانی که دغدغه سیاست‌گذاری فرهنگی در عرصه روضه‌های خانگی را دارند، اکیداً توصیه می‌کنم:

۱. مجالس خانگی را صرفاً با «روضه خانگی» یکسان نپندارید و کارکردهای چندگانه آن را بشناسید.
۲. از تقلیل دادن نقش پیچیده و تاریخی روضه‌های خانگی به مفاهیم محدودی چون «هسته مقاومت فرهنگی» پرهیز کنید.
۳. از صدور و اجرای دفعی سیاست‌های عام و کشوری خودداری کنید؛ تجربه نشان داده است که این گونه مداخلات، اصل پدیده را تخریب کرده و جایگزین مناسبی هم ارائه نمی‌دهند.

۴. هرگونه سیاست‌گذاری را ابتدا به‌صورت آزمایشی در مقیاس کوچک (در چند شهر یا استان) اجرا کنید و تنها در صورت موفقیت، آن را تعمیم دهید تا به این میراث عمیق و ریشه‌دار تاریخی آسیبی وارد نشود.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

حجت‌الاسلام محمدجواد تاکی؛ نسبت تکاملی هیأت و روضه خانگی

تحلیل هستی‌شناسانه روضه‌های خانگی و نسبت آن با سیاست‌گذاری فرهنگی

۱. لزوم شناخت و هستی‌شناسی روضه‌های خانگی

نخستین مسئله‌ای که پیش از آسیب‌شناسی نهادهای فرهنگی باید مورد توجه قرار گیرد، علت بقای تاریخی آن‌هاست. این پرسش بنیادین مطرح است که عوامل و عناصر شکل‌دهنده «روضه‌های خانگی» چیست که توانسته چنین تداوم تاریخی شگرفی داشته باشد؟ عدم شناخت دقیق این عناصر، موجب می‌شود تا هرگونه سیاست‌گذاری و مداخله در این حوزه، خطر آسیب رساندن به این سنت را به همراه داشته باشد. پایه‌های اولیه این سنت که ریشه در عصر امام باقر (ع) و وصیت ایشان به امام صادق (ع) دارد، تا به امروز امتداد یافته است؛ از این رو، ما نیازمند یک توصیف و «هستی‌شناسی» دقیق از روضه‌های خانگی هستیم.

۲. انعطاف‌پذیری؛ راز بقای تکوینی روضه‌ها

این شناخت هستی‌شناسانه، امکان «مهندسی معکوس» را در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی فراهم می‌آورد. روضه‌های خانگی مبتنی بر عمیق‌ترین و تکوینی‌ترین عناصر حیات انسانی و عمق شریعت بنا شده‌اند. تداوم این سنت در ادوار مختلف تاریخی، فارغ از نوع حکومت‌ها، بحران‌هایی نظیر همه‌گیری کرونا یا شرایط متغیر اقتصادی، نشان‌دهنده استحکام پایه‌های آن است. افزون بر عناصر بقا، «عنصر انعطاف‌پذیری» در این نهاد فرهنگی بسیار حائز اهمیت است؛ سازگاری با ابعاد مکان (خانه‌های کوچک یا بزرگ)، تعداد مخاطبان و قالب برگزاری (صرفاً روضه‌خوانی یا ترکیب با سخنرانی)، نشان‌دهنده ریشه‌های اصیل آن است که توانسته با شرایط گوناگون خود را تطبیق دهد.

۳. بستر طبیعی سیاست‌گذاری فرهنگی

در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی، هرگونه اقدام و قانون‌گذاری باید در بستر تکوین و سیر طبیعی جامعه شکل گیرد؛ در غیر این صورت محکوم به فنا خواهد بود. به عنوان نمونه، هیأت‌هایی که صرفاً با اتکا به سخنرانان و مداحان سرشناس، مکان‌های خاص و بودجه‌های کلان اقتصادی شکل می‌گیرند، به دلیل عدم رویش در یک «بستر طبیعی»، بقای چندانی نخواهند داشت. در مقابل، اصلی‌ترین دلیل ماندگاری روضه‌های خانگی، شکل‌گیری آن‌ها در بستر تکوینی و واقعی جامعه شیعی است. بر همین اساس، تقلیل و تعریف روضه خانگی صرفاً به عنوان «هسته مقاومت فرهنگی»، ممکن است به نوعی خروج از ماهیت طبیعی آن تلقی شود. پیش از اعمال هرگونه رویکرد تحمیلی، باید حقیقت وجودی این نهاد را به درستی درک کرد.

۴. نسبت تکاملی میان روضه‌های خانگی و هیأت‌ها

نکته پایانی، تبیین نسبت میان روضه خانگی و هیأت است. در سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی که به دنبال نمایان‌سازی مناسک هستیم، باید مراقب سنت‌های پایه باشیم. همان‌طور که در رویدادهایی نظیر مهمانی ده کیلومتری غدیر، نباید اجازه داد سنت ریشه‌دار دیدوبازدید خانگی سادات (که خود زمینه‌ساز چنین رویدادهای بزرگی است) کمرنگ شود، در اینجا نیز باید توجه داشت که روضه‌های خانگی، در واقع بستر و پل عبور برای رسیدن به هیأت هستند.

هیأت‌ها باید در امتداد و برخاسته از روضه‌های خانگی باشند. ما در جامعه، هسته‌های کوچک، بومی و معنویِ عجین با زندگی طبیعی مردم را داریم که این‌ها باید در نقاطی مشخص به «**منصه ظهور**» برسند و هیأت‌های بزرگ را شکل دهند. این یک «**نسبت تکاملی**» است. اگر این چرخه معکوس شود و هیأت‌ها در تقابل با روضه‌های خانگی قرار گیرند یا جایگزین آن‌ها شوند، نه تنها هیأت‌ها به دلیل فقدان ریشه طبیعی به زودی مضمحل می‌شوند، بلکه سنت روضه‌های خانگی نیز تضعیف خواهد شد. بنابراین، هیأت نباید تضعیف‌کننده روضه خانگی باشد، بلکه باید به عنوان تکامل و تجلی آن در یک رویکرد و مقیاس خاص تعریف گردد.

حجت‌الاسلام دکتر محمدهادی شریعتی؛ ضرورت بازخوانی و بازسازی فناوری‌های فرهنگی جهان اسلام

لازم می‌دانم درباره‌ی رویداد امروز و روند شکل‌گیری آن توضیحاتی ارائه دهم؛ با این امید که این اقدام ثمربخش واقع شود.

رسالت گروه‌های سیاست‌گذاری و حساسیت مسائل فرهنگی

در گروه علمی «مدیریت راهبردی و سیاست‌گذاری»، دغدغه‌ی محوری ما حل مسائل فرهنگی است. اساساً در رشته‌های سیاست‌گذاری — اعم از فرهنگی، اجتماعی یا اقتصادی — مسئله‌ی اصلی این است که نهادهای اجتماعی و فناوری‌ها گاهی کارکردهای دقیق خود را انجام نمی‌دهند و پرسش این است که چگونه می‌توان به اصلاح آن‌ها کمک کرد. مقیاس این دست از اقدامات، مقیاسی ملی است؛ به عبارت دیگر، هنگامی که در صدد ارتقاء یا تغییر این نهادها برمی‌آییم، احتمال بروز خطاهای راهبردی وجود دارد. این فرآیند همانند پرتاب یک ماهواره است؛ اگر به درستی در مدار قرار نگیرد، کاملاً از بین می‌رود، اما اگر در مدار صحیح مستقر شود، سال‌ها می‌توان از فواید آن بهره‌مند شد.

از آنجا که مباحث فرهنگی برای طلاب حائز اهمیت است، این رشته با استقبال چشمگیری مواجه شده است. در حال حاضر، ۳۵ دانشجوی مقطع دکتری و حدود ۱۷ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد در رشته‌ی سیاست‌گذاری فرهنگی مشغول به تحصیل هستند که ظرفیت علمی ارزشمندی به شمار می‌روند. حجم پایان‌نامه‌ها و رساله‌های خروجی از این گروه به هزاران صفحه می‌رسد که دیگر نمی‌توانند صرفاً جنبه‌ی نظری داشته باشند، بلکه باید با حل مسائل حوزه‌ی فرهنگ ارتباط برقرار کنند. مسائل فرهنگی «نامرئی» و در عین حال بسیار خطیرند؛ اگر مداخله‌ی نابجایی صورت گیرد یا مسئله به اشتباه سنجیده شود، یک ساختار و کارکرد معیوب برای مدت‌ها در جامعه مستقر خواهد شد.

شکل‌گیری حلقه‌های علمی و استخراج «نظام مسائل»

بر همین اساس، از پژوهشگرانی که در زمینه‌های مشخصی دغدغه‌مند و هم‌فکر بودند دعوت کردیم تا در قالب «حلقه‌های علمی» گرد هم آیند تا تدوین پایان‌نامه‌ها و رساله‌های آنان در بستر مباحثات واقعی و میدانی صورت پذیرد. یکی از این گروه‌ها، «حلقه‌ی هیأت» است.

بحمدالله در سال‌های اخیر، جمعی از علاقه‌مندان به فعالیت‌های میدانی هیأت در این مجموعه حضور یافته و علایق خود را در حوزه‌ی پژوهش امتداد داده‌اند. به عنوان نمونه، جناب آقای آب‌فروش پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود را با موضوع «هیأت اجتماعی» در همین جا دفاع کردند و اکنون نیز دانشجوی مقطع دکتری سیاست‌گذاری هستند. همچنین چندین پایان‌نامه‌ی ارشد دیگر در این زمینه دفاع شده یا در حال تدوین است. این پژوهش‌ها نیازمند یک «نظام مسائل» مدون بودند؛ از این رو، حلقه‌های علمی ما، از جمله حلقه‌ی هیأت، با هدف «اصطیاد» و کشف مسائل صحیح و کاربردی شکل گرفته‌اند.

اهداف نشست کنونی و اهمیت تاریخ در سیاست‌گذاری

مجموعه جلساتی در حلقه‌ی هیأت در حال برگزاری بود که هم‌زمان شد با پیگیری نشست و همایش «هیأت و آیین‌های مذهبی» در تهران. به منظور نمایش ظرفیت‌های جدی «**دانشگاه باقرالعلوم (ع)**» — به عنوان یکی از نزدیک‌ترین دانشگاه‌ها به فضای حوزوی — نشست کنونی در راستای آن همایش شکل گرفت. ما بالغ بر ۴۰ دعوت‌نامه برای اساتید صاحب‌نظر در این حوزه ارسال کردیم و در نهایت، طی یک بازه‌ی زمانی ۹ ساعته، افتخار میزبانی از ۲۲ نفر از اساتید را داشتیم؛ هرچند برخی از اساتید نیز به دلایل مختلف یا شاید ضعف در هماهنگی‌ها از جانب بنده، امکان حضور نیافتند. هدف ما از برگزاری این جلسه، هم‌اندیشی با اساتید برای شناخت ظرفیت‌های «**روضه‌ی خانگی**» به عنوان یکی از مصادیق مهم هیأت بود تا از رهگذر این گفتگوها، یک نظام مسائل و متن اولیه‌ای تدوین شود. به عنوان مثال، توجه و تأکید استاد الویری بر این اصل که «**تاریخ بر هر گونه تجویز مقدم است**»، بسیار ارزشمند بود. ایشان یادآور شدند که پیش از هر گونه سیاست‌گذاری، باید سیر تحولات و پویایی این نهاد را در سده‌های گذشته بررسی کرد. درک همین نکات کلیدی، خاستگاه و هدف اصلی ما در این جلسه بود.

الگوی «سازماندهی هیأتی»؛ از دانش ضمنی تا دانش صریح

فرصت امروز بسیار «مغتنم» بود. علاوه بر مباحث معرفتی، اشتیاق گروهی از پژوهشگران برای مباحثه پیرامون این موضوعات، شورانگیز بود. ما در حلقه‌ی هیأت امیدواریم این گفتگوها استمرار یابد و در سایر حلقه‌ها نیز زمینه‌ی همکاری فراهم شود؛ بی‌شک، گروه تاریخ می‌تواند با ارائه‌ی پیشینه‌ی دقیق، ما را در ارائه‌ی تجویزهای سیاست‌گذارانه یاری کند. جای دارد تشکر ویژه‌ای داشته باشم. خوش‌سلیقگی و نظم نسبی حاکم بر این جلسه را می‌توان مصداق بارزی از «**سازماندهی هیأتی**» دانست. معمولاً در افواه عمومی، بی‌نظمی در کارها را به کار «هیأتی» تعبیر می‌کنند؛ اما این نشست نشان داد که ما نوعی از سازماندهی تحت این عنوان داریم که ثمره‌ی تجربیات فراوانی است و دست‌کم چهار دهه از تکامل آن در دوران پس از انقلاب اسلامی می‌گذرد. برگزاری منظم این نشست، با وجود زمان کوتاه و امکانات محدود، نشان داد که می‌توان به نهادهای اجتماعی بومی خود نگاهی دقیق‌تر داشت، آن‌ها را بازخوانی کرد، «دانش ضمنی» نهفته در آن‌ها را به «دانش صریح» بدل ساخت و الگوهای کاربردی از آن‌ها استخراج نمود.

تقدیر و تشکر

از تمامی حضار محترم و بزرگوارانی که از ساعت ۸ صبح با ما همراه بوده‌اند و فضای متراکم و پذیرایی مختصر ما را تحمل کردند، صمیمانه سپاسگزارم. اساتید محترم در طول جلسه چند بار به نام بنده اشاره کردند، در حالی که من در اینجا صرفاً نقش دعوت‌کننده را بر عهده داشتم. زحمت اصلی و اجابت این دعوت بر دوش دوستان حلقه‌ی هیأت بود که برشی از تجربیات ارزشمند «**جامعه‌ی ایمانی مشعر**» محسوب می‌شود و خود، الگویی قابل مطالعه است. در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد آقای آب‌فروش نیز بررسی شده است که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های موجود برای ایجاد یک الگوی سیاست‌گذاری و شبکه‌سازی استفاده کرد، بدون آنکه پدیده‌های طبیعی را با مداخلات نابجا برهم زد. من از این فناوری شبکه‌سازی با عنوان «**سفره‌داری**» یاد می‌کنم؛ به این مفهوم که ما تنها بستری فراهم می‌کنیم تا صاحب‌نظران گرد هم آیند و به گفتگو بپردازند که بی‌شک در این گفتگوها خیرات فراوانی نهفته است.

بار دیگر از همگی تشکر می‌کنم و بابت طولانی شدن عرایضم و گرمی هوای سالن پوزش می‌طلبم. امیدوارم با مساعدت شما بزرگواران، این مسیر تداوم یابد. جلسه‌ی امروز را با ذکر صلواتی بر محمد و آل محمد (ص) خاتمه می‌دهم.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجه‌م.

برادر رحیم آبروش؛ صورت‌بندی تنوع گونه‌های روضه‌های خانگی

با توجه به اینکه این نشست، اولین جلسه از سلسله مباحث ماست و در آینده ان‌شاءالله به تفصیل در خدمت اساتید خواهیم بود، لازم است این نکته را یادآوری کنم: ما از بسیاری از مباحث تخصصی و اصطلاحات مربوطه، با کمی تساهل و ساده‌انگاری عبور کرده‌ایم. یکی از این مباحث، خود مفهوم «روضه خانگی» است. هرچند در این جلسه فرصت تبیین دقیق آن فراهم نیست، اما این موضوع حتماً باید در قالب یک پژوهش مستقل مورد تأمل و بررسی قرار گیرد.

در حال حاضر، ما از روضه خانگی به صورت عام یاد می‌کنیم؛ در حالی که این مفهوم (همان‌طور که جناب آقای کشاورزian نیز به برخی مصادیق آن اشاره کردند) انواع مختلفی دارد. برای درگیر شدن ذهن مخاطبان و دقت در این موضوع، به برخی از گونه‌های روضه خانگی اشاره می‌کنم:

- **روضه خانگی عام:** روضه‌ای است که قید و محدودیت خاصی ندارد و تمام انواع مخاطبان و اجزا را در بر می‌گیرد؛ جایی که اعضای خانواده در برگزاری آن شریک هستند و هر کدام می‌توانند دوستان و مرتبطین خود را دعوت کنند.
- **روضه فامیلی (خانوادگی):** این نوع روضه با روضه خانگی عام تفاوت دارد و شرکت در آن برای همسایگان و افراد غریبه آزاد نیست. در این الگوی رایج، گاهی بزرگ‌خاندان مراسم را مدیریت می‌کند و روضه به صورت چرخشی در منازل فرزندان (پسران، دختران و دامادها) برگزار می‌شود. این مدل، قواعد، آداب و جزئیات خاص خود را دارد که نیازمند بررسی است.
- **روضه زنانه:** گونه‌ای بسیار رایج و در عین حال خاص از روضه‌های خانگی است که مختص بانوان برگزار می‌شود.
- **روضه آپارتمانی:** شکل خاصی از روضه است که محدودیت‌های مکانی، شرایط آن را تحمیل می‌کند. خانه‌های آپارتمانی غالباً برای برگزاری روضه‌های باز و عمومی مهیا نیستند؛ به همین دلیل، گاهی میزبان ناچار می‌شود با همسایگان وارد گفت‌وگو شود تا از منزل آن‌ها برای پذیرایی و تفکیک بخش زنانه و مردانه استفاده کند.
- **روضه دانش‌آموزی (هم‌کلاسی‌ها):** در این تجربه متفاوت، فرزند خانواده بانی روضه می‌شود و هم‌کلاسی‌های خود را دعوت می‌کند. در این نوع روضه، حضور افراد مسن یا همسایگان موضوعیت ندارد (زیرا فضای یک‌دست جلسه را تغییر می‌دهد) و مخاطبان صرفاً نوجوانان دختر یا پسر هستند.
- **روضه همسایگی:** این الگو به روضه خانگی عام نزدیک‌تر است. امروزه در مجتمع‌های مسکونی بزرگ (مانند آپارتمان‌های پردیسان که گاهی جمعیت یک مجتمع معادل چند روستای متوسط است)، این نوع روضه کارکردهای ویژه‌ای در ایجاد پیوند میان همسایگان پیدا کرده است. البته انواع «روضه‌های ترکیبی» نیز در این فضاها شکل می‌گیرد.

- **روضه‌های خانگی بلوغ‌یافته (توسعه‌یافته):** روضه‌هایی که با حفظ آداب روضه‌ی خانگی، از نظر کمی ارتقا و جهش یافته‌اند. به عنوان مثال، روضه‌ی صبح‌های فاطمیه در منزل حجت‌الاسلام تکیه‌ای در قم که سال‌هاست با سنت صبحانه‌دادن برگزار می‌شود. جمعیت این روضه‌ی خانگی گاه به ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر می‌رسد؛ جمعیتی که حتی از بسیاری از هیأت‌های محلی و مساجد نیز بیشتر است.
- **روضه‌های خانگی کهن:** در فراخوان‌های مرتبط با این موضوع، با روضه‌های خانگی با قدمت‌های ۵۰، ۱۰۰، ۲۰۰، ۴۰۰ و حتی ۷۰۰ ساله مواجه شده‌ایم. این روضه‌ها کاملاً قوام یافته‌اند و ابعاد و کارکردهای چندگانه‌ای دارند.

نتیجه‌گیری

هدف از بیان این دسته‌بندی‌ها این بود که نشان دهم ما در حال حاضر مفهوم «روضه خانگی» را به معنای عام آن به کار می‌بریم، اما تدقیق در این معنا و اجزای آن، خود نیازمند مباحثه‌ی جدی است. به همین منوال، اگر بخواهیم به موضوع اصلی نشست پردازیم، مفاهیمی چون «مقاومت» و «هسته‌های مقاومت فرهنگی» نیز نیاز به واکاوی دارند. اگرچه در این نشست فرصت پرداخت دقیق به این اجزا فراهم نشد، اما امیدواریم این جلسه سرآغازی برای نشست‌های تفصیلی آینده و پردازش کافی مبانی، واژگان و اصطلاحات باشد.